

Pathology of the Nakhl-Gardani Ritual as an Object-Oriented Ritual with the aim of Iran's Living Cultural Heritage Safeguarding

Adele Mohtasham * 

Assistant Professor, Conservation of Historical Objects Departement, Conservation and Restoration Faculty, Iran University of Art, Tehran, Iran.

Samad Samanian 

Professor, Handy Crafts Department, Applied Arts Faculty, Iran University of Art, Tehran, Iran.

1. Introduction

The threats that have endangered numerous rituals, displacing them from the cycle of human life, also imperil the ritual of Nakhl-Gardani. This is evident from the transformations in its mode of performance, its prerequisites, and its concluding phases, which have led to a deviation from its traditional-spiritual framework. Given that the Nakhl, as a central symbolic object, constitutes the core of the Nakhl-Gardani ritual, around which the practice has historically developed, the preservation of the Nakhl itself is integral to the ritual's survival. Owing to the reciprocal relationship between the ritual of Nakhl-Gardani and its ritual object, the Nakhl, and given that the ritual's process is inextricably linked to the Nakhl's presence, identifying threats to the authentic continuity of the Nakhl cannot be inextricable from processes occurring within the ritual system. Furthermore, an examination of the mechanisms of Nakhl-Gardani within the cultural-geographical context of Yazd's desert region reveals emergent challenges and threats to this system.

2. Literature Review

Scientific studies on the nature and typology of rituals—and by extension, on Nakhl-Gardani—are a relatively recent development, while research specifically focused on the pathology of rituals and ritual objects remains scarce and innovative. In the

* Corresponding Author: Adele.mohtasham@art.ac.ir

How to Cite: Mohtasham, A; Samanian, S. (2026). Pathology of the Nakhl-Gardani Ritual as an Object-Oriented Ritual with the aim of Iran's Living Cultural Heritage Safeguarding, *Semiannual Journal of Indigenous Knowledge Iran*, 12(24), PP 211-253

domain of intangible heritage pathology, a pertinent study is Pathology of Linguistic Heritage through Recognizing Its Position and Function in Cultural Heritage (Abouei, Yadegari, & Efazat, 2016). Among early scholars, Chelkowski not only investigated Nakhl-Gardani but also attended to the ritual object itself, publishing his initial findings as early as 1979 (Chelkowski, 1979; 2010). Anthropologist Bolukbashi has conducted significant research on this ritual, including historical and comparative analyses across diverse cultural-geographical areas, with references to the structure of the Nakhl (Bolukbashi, 1980; 2010). Abdolazim Pouya also examined the rationale and modalities of the ritual as practiced in Yazd (Pouya, 2000). These works represent some of the earliest scholarly contributions directly addressing Nakhl-Gardani in Iran. In recent years, further research in the form of articles, theses, and books has approached the ritual primarily from anthropological and semiotic perspectives (e.g., Malek Sabet, 1994; Kazemini, 2008; Seyed Alizadeh, 2015; Kazemi, 2012; Hamidi & Shateri, 2016; Vafaei Shahi, 2004; Khaki & Ghaedi, 2014; Es-haqi & Mirrazi, 2009; Babaei & Taghizadeh Davari, 2016; Jamshidi Goharrizi, 2010; Dashtaki, 2013; Zarezadeh & Rahbarnia, 2013; Saeidi, 2007; Asgari, 2013; Golbaf Banadaki, 1997; Latifi & Hajizadeh Bahmedi, 2012; Vafaei Shahi, 2006). However, no dedicated study was identified that focuses specifically on the pathology of either the Nakhl-gardani ritual or the Nakhl as a ritual object.

3. Methodology

This study employs a descriptive-analytical methodology. A substantial portion of knowledge pertaining to Nakhl-Gardani, the traditional craft of Nakhl-making, and the associated customs and practices of ritual participants and artisans exists within the community's oral tradition and has not been formally documented. Consequently, alongside a review of written sources, field observations and interviews were indispensable. Fieldwork encompassed three consecutive years of direct observation of the ritual in Yazd. Semi-structured interviews were conducted with four key informant groups: (1) trustees and caretakers of the ritual sites (*tekyehs* and *hosseiniyehs*) housing the Nakhls; (2) active ritual participants engaged in decorating, carrying, and organizing the Nakhl; (3) knowledgeable community members, including elders, long-term residents, and interested youths; and (4) traditional master craftsmen specializing in the construction and repair of the Nakhl. The fieldwork was conducted within Yazd's historic urban fabric, notably in neighborhoods such as Lab-e-Khandaq, Fahadan, Maryamabad, Shah Abolqasem, Chahar Menar, Kucheh Buyuk, Vaqt-o-Sa'at, and Bazar-e Now, with a focus on 14 *tekyehs* and *hosseiniyehs* known for sustaining the ritual. Data validity and

reliability were ensured through member checking, in which findings were verified with 20 interviewees, and through prolonged engagement facilitated by the three-year fieldwork period, which allowed for deep immersion and nuanced understanding.

4. Results and Conclusion

The study identifies multiple threats to the authentic continuity of the ritual, which can be categorized into three primary areas:

- 1- Threats to the community's faith in the foundational concepts of Nakh-Gardani and its perseverance.
- 2- Threats to the historical traditions and customary practices embedded within the ritual system of Nakh-Gardani.
- 3- Threats to the knowledge and skills required for the traditional methods of constructing, preserving, and transmitting the craft of Nakh-making.

Furthermore, tourism development and urban expansion were identified as significant external factors disrupting the sustainability of the authentic ritual practice.

Acknowledgements

The authors would like to express their sincere gratitude to Dr. Mehdi Hojat, as well as to the master Nakh-makers, Mr. Seyyed Mohammad Mousavi, Mr. Abbas Mojaveer, Mr. Ali Akbar Najjar, and Mr. Akbar Abuei Mehrizi, for their invaluable guidance and insights.

Keywords: Nakh, Nakh-Gardini Ritual, Ritual Heritage, Ritual Object, Intangible Cultural Heritage, Safeguarding.




دو فصلنامه علمی دانش‌های بومی ایران
دوره دوازدهم، شماره ۲۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۴، ص ۲۱۱-۲۵۳
qjik.atu.ac.ir
DOI: doi.org/10.22054/qjik.2025.84921.1451

آسیب‌شناسی آیین نخل گردانی در جایگاه آیینی شیء - محور از منظر حفاظت از گنجینه‌های فرهنگی زنده ایران

استادیار حفاظت و مرمت اشیاء فرهنگی-تاریخی، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران.

عادلہ محتشم * 

استاد، گروه صنایع دستی دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران.

صمد سامانیان 

چکیده

آسیب‌هایی که بسیاری از آیین‌ها را تهدید کرده و آن‌ها را از چرخه زندگی انسان خارج ساخته‌اند، آیین نخل گردانی را نیز تهدید می‌کنند. این امر از اندیشه در "تغییرها در چگونگی برگزاری آیین و مقدمات و مؤخرات آن، به نحوی که دور شدن از ساختار سنتی - معنوی آن را به همراه داشته باشند"، قابل دریافت است. از آنجا که نخل، شیئی محوری و نمادین در برگزاری آیین نخل گردانی بوده، روند برگزاری این آیین، حول محور این شیء پا گرفته است، آسیب‌شناسی تداوم حیات نخل‌ها بخش بزرگی از آسیب‌شناسی تداوم حیات آیین است. بنا بر پیوستگی دوسویه "آیین نخل گردانی" و "شیء آیینی نخل"، و آمیختگی خط سیر برگزاری آیین با حضور نخل، شناخت عواملی که حیات اصالت‌مند نخل‌ها را تهدید می‌کنند، نمی‌تواند جدا از آنچه "بر" و "در" سازگان آیین می‌گذرد، باشد. از دیگر سو، دقت در سازوکار برگزاری آیین نخل گردانی در حوزه جغرافیایی-فرهنگی کویر یزد، نشان از آغاز آسیب‌ها و تهدیدهایی فراروی این سازگان دارد. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است: چه آسیب‌هایی تداوم حیات اصالت‌مند آیین نخل گردانی را تهدید می‌کند؟ روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی بوده و با استناد به منابع مکتوب، مشاهدات میدانی و گفتگو، داده‌های پژوهش فراهم شد. در نهایت با تحلیل محتوای گردآمده، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری صورت گرفت. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که آسیب‌های متعددی، ذیل سه گروه اصلی: "آسیب‌های متوجه اعتقاد جامعه آیین ورز به مفاهیم بنیادین آیین نخل گردانی"، "آسیب‌های متوجه سنت‌های تاریخی و آداب سنتی جاری در سازگان آیینی نخل گردانی و استمرار آن‌ها" و "آسیب‌های متوجه دانش و مهارت در روش سنتی ساخت و حفاظت نخل‌ها و آداب آن"، تداوم حیات اصالت‌مند این آیین را متأثر ساخته است.

واژه‌های کلیدی: نخل، آیین نخل گردانی، میراث آیینی، شیء آیینی، میراث ناملموس، صیانت

مقدمه

آیین‌ها بخشی از میراث ناملموس و دربردارنده بسیاری از مؤلفه‌های فرهنگی یک جامعه هستند. آیین‌ها را باید از ذی‌معناترین کنش‌ها و ارزشمندترین میراث انسانی برجای‌مانده و جاری در جوامع دانست. کاربرد اشیاء در بیشتر آیین‌ها امری نهاده بوده و گاه برخی آیین‌ها پیرامون محور یک شیء برگزار می‌گردند: مانند آیین قالی‌شویان در مشهد اردیبهشت ماه، آیین اسب‌چویی در سبزوار، و آیین نخل‌گردانی در گستره جغرافیایی-فرهنگی کویر مرکزی ایران. نخل‌گردانی به‌عنوان یک آیین کهن ایرانی که با ورود اسلام به ایران، رنگ و بوی شیعی به خود گرفته است، آیینی همچنان حی و پویا و گنجینه‌ای غنی برای شناخت بخشی از فرهنگ ایرانیان است. این آیین که در آن نخل در جایگاه شیء آیینی حضور دارد، یادواره‌ای برای یک شهید است.

نخل‌گردانی، در جایگاه یک آیین، حاوی ارزش‌ها و مفاهیمی است که آن را تبدیل به یک گنجینه فرهنگی ارزشمند می‌سازند. اما آیین‌ها در جایگاه کنشی انسانی، نمادین، جمعی و تکرارشونده، در زندگی انسان امروز که رو به دور شدن از معنای امور و درآمدن بیش‌ازپیش به جسم و کمیت امور است، رو به فراموشی است. همت و اقدام برای "حفظ آیین‌ها و اشیاء آیینی" به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی و مذهبی جوامع، امروز، اهمیت بسیار دارد، و آسیب‌شناسی آیین‌ها، گامی اساسی در دستیابی به این هدف است. این پژوهش از منظر پاسداشت گنجینه‌های فرهنگی و مذهبی به مطالعه و شناخت عواملی که حیات اصالت‌مند آیین نخل‌گردانی را تهدید می‌کنند، پرداخته است. از آنجا که جامعه امروز، کمتر پذیرای حضور و تداوم آیین‌ها بوده و به‌تبع آن اشیاء آیینی نیز در معرض آسیب‌های کالبدی و معنایی و اضمحلال ارزش‌ها هستند، مطالعه در آنچه در روند برگزاری آیین‌ها خلل ایجاد می‌کند، ضرورت می‌یابد.

آسیب‌شناسی آیین‌ها، علاوه بر راهگشایی برای حفظ آیین‌ها، به شناخت بیش‌ازپیش و حفظ بخشی از آداب و رسوم جامعه آیین‌ورز نیز منتج می‌گردد. از آنجا که پژوهشی در شناخت آسیب‌های وارد بر پیکر نظام‌مند آیین نخل‌گردانی صورت نگرفته، ضرورت انجام

این پژوهش آشکار است. هدف از این پژوهش، آسیب‌شناسی آیین نخل‌گردانی در جایگاه یکی از میراث ناملموس با تأکید بر تغییر در چگونگی برگزاری و دور شدن از ساختار سنتی - معنوی این آیین است. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است: چه آسیب‌هایی تداوم حیات اصالت‌مند آیین نخل‌گردانی را تهدید می‌کند؟

پیشینه پژوهش

مطالعات و پژوهش‌های علمی درباره ماهیت آیین‌ها و گونه‌های آن امری کمابیش تازه و پژوهش در زمینه آسیب‌شناسی آیین‌ها و اشیاء آیینی امری بدیع و کمیاب است. درباره آیین نخل‌گردانی نیز این امر درست است. در زمینه آسیب‌شناسی میراث ناملموس، تنها می‌توان به مقاله "آسیب‌شناسی میراث زبانی از طریق بازشناسی جایگاه و عملکرد آن در میراث فرهنگی" (ابویی، یادگاری و افاضت، ۱۳۹۵) اشاره نمود. در این پژوهش، نویسندگان به بررسی نمودهای گوناگون میراث زبانی و عملکرد آن، و سپس آسیب‌های این میراث پرداخته‌اند. "پیتر چلکوفسکی"، شرق‌شناس، که چندین سال در ایران به مطالعه در اندیشه‌های شیعیان ایران پرداخته است، از نخستین کسانی است که افزون بر پژوهش در آیین نخل‌گردانی نگاهی نیز به شیء آیینی نخل داشته و نخستین نوشته‌های وی در این زمینه در سال ۱۹۷۹ میلادی به چاپ رسیده است (Chelkowski, 1979). او همچنین در کتاب "تعزیه و دیگر آیین‌های شیعی" (Chelkowski, 2010) گفتارهایی را پیرامون چرایی و چگونگی برگزاری آیین نخل‌گردانی مطرح کرده و اشاره‌هایی نیز به ساختار نخل داشته است.

"علی بلوکباشی"، مردم‌شناس، مطالعات ارزنده‌ای پیوسته با این آیین با در نظر آوردن رواج آیین‌هایی چون تابوت‌گردانی در ایران باستان، انجام داده، و افزون بر بررسی‌های تاریخی، نخل‌گردانی را در گستره‌های جغرافیایی - فرهنگی گوناگون، مطالعه نموده و اشاره‌هایی به ساختار نخل داشته است (بلوکباشی، ۱۳۸۹ و بلوکباشی، ۱۳۸۰).

عبدالعظیم پویا نیز، در جستاری درباره نخل و نخل برداری در یزد، به چرایی و چگونگی آیین نخل پرداخته است (پویا، ۱۳۷۹). این مطالعات از نخستین پژوهش‌های علمی پیوسته با آیین نخل‌گردانی در ایران هستند. در سال‌های اخیر پژوهش‌های دیگری در قالب مقاله، پایان‌نامه و کتاب به چرایی و چگونگی این آیین، بیشتر از چشم‌انداز انسان‌شناسانه و نمادشناسانه پرداخته‌اند (ملک‌ثابت، ۱۳۷۳؛ کاظمینی، ۱۳۸۷؛ سیدعلی‌زاده، ۱۳۹۴؛ کاظمی، ۱۳۹۱؛ حمیدی و شاطری، ۱۳۹۵؛ وفایی‌شاهی، ۱۳۸۳؛ خاکی و قائدی، ۱۳۹۳؛ اسحاقی و میررضی، ۱۳۸۸؛ بابایی و تقی‌زاده داور، ۱۳۹۵؛ جمشیدی گوه‌ریزی، ۱۳۸۹؛ دشتکی، ۱۳۹۲؛ زارع‌زاده و رهبرنیا، ۱۳۹۲؛ سعیدی، ۱۳۸۶؛ عسگری، ۱۳۹۲؛ گلباف بنادکی، ۱۳۷۶؛ لطیفی و حجی‌زاده بهمدی، ۱۳۹۱؛ وفایی‌شاهی، ۱۳۸۵). تمامی این پژوهش‌ها پیرامون محور ماهیت آیین نخل‌گردانی شکل گرفته‌اند. پژوهشی که به شکل ویژه به آسیب‌شناسی آیین نخل‌گردانی و یا نخل در جایگاه شیء آیینی پرداخته باشد، مشاهده نشد.

روش

برای دستیابی به پاسخ پرسش پژوهش، روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. بخش بزرگی از اطلاعات یافت‌شده درباره: "آیین نخل‌گردانی، دانش بومی ساخت نخل، آداب و کنش‌های سنتی آیین‌ورزان و استادکاران نخل‌ساز در تعامل با آن و دیگر اطلاعات پیرامون این موضوع"، در ایران، بخشی از "سنت شفاهی" (نانوشته) جامعه آیین‌ورز بوده و کمتر مکتوب شده است. این اطلاعات به گونه شفاهی، منتقل و حفظ شده‌اند. آنچه به گونه نگاشته شده در دست است، بیشتر به شکل برداشت‌های جنبی در کنار مطالعات وابسته به آیین نخل‌گردانی است که می‌توان نکته‌هایی درباره آیین نخل از آن‌ها درک و دریافت نمود. سنت شفاهی یکی از کاراترین راه‌های حفظ و انتقال آموزه‌های سنتی است (مزروعی، ۱۳۶۳: ۱۳). بدین گونه افزون بر استناد به منابع مکتوب، مطالعات و مشاهدات میدانی و گفتگو با آگاهان (مصاحبه)، بایسته بود.

مطالعات و مشاهدات میدانی، به صورت حضور در محیط و پایش هدفمند آیین نخل گردانی طی سه سال متوالی بود. گفتگوها در قالب مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته، انجام شد. از آنجا که دستمایه این پژوهش مرتبط با ارزش‌های اعتقادی یک جامعه است، پاسخ به سؤالات در قالب مصاحبه‌های مرسوم به صورت پرسش‌های مکرر و یا پرسش‌نامه، ممکن بود از جانب اغلب آیین‌ورزان، رضایت‌بخش نباشد. از این رو لازم بود ضمن در نظر داشتن پرسش‌های پژوهش، مصاحبه‌ها صورتی از گفتگوهای همدلانه بین مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده را داشته و به صورت تعامل مشاهده‌گر - مشاهده شونده انجام شوند.

از دیگر سو، نخل گردانی، آیینی است که در بیشتر شهرهای ایران زمین، کمابیش برگزار می‌گردد. اما پژوهش‌گران این آیین را از آن گستره جغرافیایی - فرهنگی کویر ایران می‌دانند و بر این باورند که در هیچ شهری مانند شهر یزد این آیین با همیت، جدیت و اشتیاق، پیگیری و برگزار نمی‌گردد (بلوکباشی، ۱۳۸۰ و Chelkowski, 2008 و آیتی، ۱۳۱۷: ۲۴۴-۲۴۸). از این روی این پژوهش بر روی نمونه‌های موجود در شهر یزد متمرکز شده است. نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام شده است. مطالعات و دیده‌های میدانی در گستره شهر تاریخی یزد به‌ویژه در محلات لب خندق، فهادان، مریم‌آباد، شاه ابوالقاسم، چهار منار، کوچه بیوک، وقت و ساعت، و بازار نو انجام گرفت. در این محلات، تمرکز بر ۱۴ تکیه و حسینیه بود. دلیل انتخاب این مکان‌ها، تداوم برگزاری آیین نخل گردانی در آن‌ها تاکنون بوده است. گفتگوها با چهار گروه معین از جامعه آیین‌ورز که به واسطه ارتباط با آیین، مطلع‌ترین افراد ممکن بودند، انجام شد:

"هیأت امانا و متولیان مکان‌ها یا نخل‌ها"

"آیین‌ورزان فعال در نخل بندی، نخل برداری، نخل گردانی و مقدمات و مؤخرات

آن"

"آیین‌ورزان آگاه با تمرکز بر روی سکنه قدیمی، ریش سفیدها و کهنسالان محله‌ها و

جوان‌های علاقه‌مند"

"استادکاران سنتی سازنده و تعمیرکننده نخل" (جدول ۱).

پس از فراهم آوردن داده‌های پژوهش، با واکاوی درون‌مایه گردآمده، و با تمرکز بر "تغییرها در چگونگی برگزاری آیین و مقدمات و مؤخرات آن، به نحوی که دور شدن از ساختار سنتی- معنوی آن را به همراه داشته باشند"، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری انجام شد. اعتبار و پایایی داده‌ها، از طریق بازبینی مشارکت‌کننده^۱ موردبررسی قرار گرفت، بدین صورت که یافته‌ها با ۲۰ نفر از مصاحبه‌شوندگان در میان گذاشته شد. همچنین با توجه به صرف مدت‌زمان سه سال^۲ جهت پایش هدفمند آیین نخل‌گردانی، سعی شد شناخت عمیقی حاصل گردد تا اعتبار و پایایی یافته‌های پژوهش، بیشینه گردد.

جدول ۱- نام مکان‌های انتخابی در شهر یزد جهت انجام مطالعات میدانی و مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و تعداد مصاحبه‌شوندگان به تفکیک گروه (منبع: نگارنده).

تعداد مصاحبه‌شوندگان				نام مکان (محلّه - تکیه - حسینیه)	شماره
آیین‌ورزان آگاه با تمرکز بر روی سکنه قدیمی، ریش سفیدها و کهنسالان محلّه‌ها و جوان‌های علاقه‌مند	آیین‌ورزان فعال در نخل‌بندی، نخل برداری، نخل‌گردانی و مقدمات و مؤخرات آن	هیأت‌امنا و متولیان مکان‌ها یا نخل‌ها	استادکاران سنتی سازنده و تعمیرکننده نخل		
۱ نفر	۲ نفر	۵ نفر	۲ نفر	امیر چخماق	۱
-	۳ نفر	۵ نفر	۱ نفر	میدان شاه	۲
۱ نفر	۳ نفر	۵ نفر	۱ نفر	وقت و ساعت	۳
۱ نفر	۳ نفر	۷ نفر	۱ نفر	خانه امام‌حسینی‌ها	۴
-	۳ نفر	۵ نفر	۱ نفر	فهادان	۵

1. Member checking
2. Prolonged engagement

۶	شاهزاده فاضل	۱ نفر	۷ نفر	۳ نفر	۱ نفر
۷	شاه ابوالقاسم	۱ نفر	۵ نفر	۳ نفر	۱ نفر
۸	پنبه‌کاران	۱ نفر	۵ نفر	۳ نفر	-
۹	کوی میر قطب	۱ نفر	۵ نفر	۳ نفر	-
۱۰	چهارمنار	۱ نفر	۵ نفر	۳ نفر	-
۱۱	مریم‌آباد	۱ نفر	۵ نفر	۳ نفر	-
۱۲	نعیم‌آباد	۱ نفر	۵ نفر	۳ نفر	-
۱۳	کسنویه	۱ نفر	۵ نفر	۳ نفر	-
۱۴	کوچه بیوک	۱ نفر	۵ نفر	۳ نفر	-

یافته‌ها

۱- چیستی نخل و آیین نخل‌گردانی

با وجود حضور دیرباز آیین‌ها در زندگی انسان، پژوهش‌های روش‌مند در این باره جنبشی کمابیش نوین است. از پایان سده نوزدهم میلادی پژوهندگان و دانشمندان با هدف شناخت بهتر فرهنگ‌ها، دین‌ها و جوامع، به خوانش و پژوهش در آیین‌ها پرداختند. امروز پژوهش در سرشت آیین‌ها، جستاری مستقل و خودپاست. «در سه دهه گذشته، پژوهش‌گران در دانش‌های گوناگون به‌ویژه علوم انسانی به پژوهش درباره آیین پرداخته‌اند» و از هم‌اندیشی ایشان، «گفتمان "پژوهش‌های آیینی"» (Bell, 2009: 3) شکل گرفته است.

پژوهش‌های پرکوشش و سازمان‌یافته درباره آیین، توسط پژوهشگران بسیاری انجام شده است: برخی ریشه دین را در آیین و برخی در اسطوره می‌دانستند. «رابرتسون

اسمیت^۱، "فریزر"^۲ و "هوک"^۳ باورمند به پیشگامی آیین در مقایسه با اسطوره بوده و اسطوره را برآمده از آیین و شماری همچون "تایلر"^۴، اسطوره را ارجمندتر از آیین می‌دانستند» (Ibid., 3). این در حالی است که تایلر، اسطوره را شکل نخستین دانش و آیین را بازنمایی آن در عمل معرفی می‌کند (Segal, 2004: 63).

بیان یک تعریف کامل و جامع از آیین همواره با پیچیدگی همراه بوده است. برخی تعریف‌ها از آیین بسیار کلی و بدون در نظر آوردن جزئیات است، مانند برداشتی که "فرهنگ واژگان جامعه‌شناسی" از آیین بیان می‌کند: «در انسان‌شناسی، هر کنش رسمی که یک برنامه مقرر را دنبال می‌کند و از راه نماد، یک معنای همگانی را بیان می‌کند، آیین (Ritual) است. آیین‌ها سویه عملی یک دستگاه مذهبی هستند و ارزش‌های مقدس را دنبال می‌کنند، نه دستیابی به پایانی سودمند را» (Abercrombie and others, 2006: 332). همچنین در فرهنگ واژگان آکسفورد، آیین (Ritual) یک کنش نمادین در یک زمینه مذهبی است (Hornblower and Spawforth, 2003: 1318). «برخی آیین را هرگونه رفتاری که فرهنگی انگاشته شود، می‌دانند» (Jones, 2005, Vol. 11: 7833). پژوهشگرانی چون "لیچ" (Leach, 1968: 406)، "مایکل پین"^۵ (پین، ۱۳۸۲)، و "سرنسن"^۶ (Sorensen, 2012: 74) نیز به بیان ماهیت آیین پرداخته‌اند. گاه آیین مترادف

۱ - William Robertson Smith: خاورشناس و متاله اسکاتلندی، نویسنده کتاب "مذهب سامی‌ها"، سده نوزدهم میلادی.

۲ - James George Frazer: نماینده مکتب تکاملی مردم‌شناسی کمبریج و نویسنده کتاب برجسته "شاخه زرین"، سده‌های نوزدهم و بیستم میلادی.

۳ - Henry Samuel Hooke: پژوهش‌گر انگلستانی در زمینه ادیان که به ویژه به خاطر ترجمه انجیل به انگلیسی پایه شناخته شده است، سده‌های نوزدهم و بیستم میلادی.

۴ - Edward Burnett Tylor: انسان‌شناس بریتانیایی، بنیان‌گذار انسان‌شناسی فرهنگی، سده‌های نوزدهم و بیستم میلادی.

۵ - Michael Pain: از شارحان فلسفه فرانسوی، معاصر.

۶ - Jorgen Podemann Sorensen: دین‌شناس آلمانی، معاصر.

با کنش دینی دانسته شده و گاه به هر رفتار فرهنگی یا نمادین اطلاق می‌شود (Jones, 2005, Vol. 11: 7833).

در جامعه‌شناسی، آیین را رفتاری با ساختار منظم می‌دانند که هدف آن نه سودمندی عملی، بلکه حفظ ارزش‌های مقدس است (Abercrombie et al., 2006: 332). برخی مانند لیچ، آیین را نوعی ارتباط اجتماعی با دستور زبان ویژه خود معرفی کرده‌اند (Leach, 1968: 406). منتقدانی چون حصوری، این تعریف را نارسا می‌دانند و تأکید می‌کنند که آیین نوعی "پیام به خود" است و نه صرفاً ارتباط میان فرستنده و گیرنده (حصوری، ۱۳۸۴: ۳۰-۲۶). همچنین، نظریه پردازانی همچون ترنر، آیین را کنشی کلیشه‌ای با هدف تأثیر بر نیروهای فرا طبیعی معرفی می‌کنند (Turner, 1973: 1100). ویلیام موریس و مایکل پین نیز بر جنبه‌های تکرارشونده، نمادین و اجتماعی آیین‌ها تأکید کرده‌اند (Morris, 1976: 1121)، (پین، ۱۳۸۲).

آیین‌ها ارتباطی تنگاتنگ با دین دارند. برخی دین‌ها چون آیین‌های شمنی تماماً آیینی هستند. در مقابل، دین‌هایی چون اسلام به‌مرور از آیین فاصله گرفته‌اند (حصوری، ۱۳۸۴: ۷۱-۶۹). با این حال، نمی‌توان آیین را جدا از بافت دینی یا فرهنگی جامعه دانست. ویژگی‌های مشترک آیین‌ها در منابع مختلف بدین گونه آمده است:

تکرارشوندگی: آیین بدون تکرار، معنا و کارکرد خود را از دست می‌دهد (Sorensen, 2012: 74) (حصوری، ۱۳۸۴: ۶۴) (فکوهی، ۱۳۹۰: ۱۴۸). زمان‌مندی و مکان‌مندی: آیین‌ها پیوستگی معناداری با زمان و مکان دارند. زمان و مکان، ترکیبی بایسته برای انجام آیین‌ها هستند و راستا و سازوکار ویژه‌ای را برای آیین مشخص می‌کنند. این زمان و مکان، سپندین هستند (Penner, 2016). نمایشی بودن، نه به معنای نمایش بودن: آیین اجراست، اما نه برای تماشاگر، بلکه برای تجربه جمعی و درونی (حصوری، ۱۳۸۴: ۵۴). نمادگرایی: کنش‌های آیینی، نمادهایی از معناهای بنیادین جامعه هستند (Zuesse, 1987: 405). برائت از انگیزه‌های سیاسی و نظامی: آیین‌ها فاقد انگیزه‌های سیاسی و نظامی‌اند، و اگر نه، از سرشت مقدس خود تهی می‌شوند (فکوهی، ۱۳۹۳)، (اصلائی،

۱۳۹۴). پویایی و دگرگون‌شوندگی: آیین‌ها پویا هستند و در گذر زمان با تحولات اجتماعی هم‌ساز می‌شوند. این دگرگونی برای بقا و معنا یافتن در بافت جدید اجتماعی ضروری است (حصوری، ۱۳۸۴).

با نظر به منابع گوناگون، در بررسی ماهیت یک آیین، چندین ویژگی مطرح می‌شود: در آیین کارهای تکراری ناروزمره انجام می‌شود؛ آهنگ آیین و داشتن نیروهای طبیعی یا فراطبیعی به کارهای دلخواه است؛ آیین زمانی ویژه دارد که سپندین است؛ کارکرد آیین مانند ذکر، بخشیدن آرامش روانی است؛ آیین کارکردی چون پیام دارد که گیرنده‌اش همان فرستنده است؛ آیین - اگر نه همیشه - بیشتر با ذکر همراه است. اگر با نظر به دیگر دیدگاه‌ها، این فهرست ویژگی‌ها را کامل کنیم، آیین را می‌توان این‌گونه تعریف نمود:

هر کنش انسانی "نمادین" و "شیوه‌مند" و "ناروزمره" که "برآمده از مذهب یا سنت" بوده، و در "زمان و مکانی سپندین"، به "دور از انگیزه‌های سیاسی و نظامی" - چون پیامی که آهنگش و داشتن نیروهای طبیعی یا فراطبیعی به کار (های) دلخواه و کارکردش بخشیدن آرامش روحی به آیین‌ورز است - "تکرار" گردد، آیین است. آیین‌ها، (اغلب) "جمعی" بوده، فاقد انگیزه‌های نظامی و یا سیاسی هستند، با "ذکرگویی" همراهند و با "اشیاء نمادین" پیوسته‌اند. آیین‌ها نظامی "پویا" داشته، در گذر زمان با درخواست‌ها و دگرگونی‌های جوامع هم‌راستا می‌شوند. هرچند این‌ها ویژگی‌های بنیادین آیین است و ممکن است گونه‌های کمیاب و کوچک، جز این باشند.

بدین گونه، نخل‌گردانی را می‌توان نمونه‌ای کامل از یک آیین دانست. نخل‌گردانی، آیینی مهم نزد ایرانیان شیعه است و فرض آن ادای احترام و سوگواری برای جانباختگی انسانی آزاده و حقیقت‌طلب است. نخل‌گردانی آیین کهنی است که ریشه‌هایش را می‌توان در ایران پیش از اسلام و در سوگ سیاوش جستجو نمود (فرامکین، ۱۳۷۲: ۱۲۴-۱۲۲). حصوری بر این باور است که رسم تابوت‌گردانی با آیین حمل تابوت سیاوش و رسم سیاوشان پیوند دارد (حصوری، ۱۳۷۸: ۱۰۶). او می‌گوید حمل تابوت تمثیلی در آیین

سوگ سیاوش در مراسم سال‌مرگش نشان می‌دهد که این آیین در سراسر آسیای میانه، به‌ویژه از دوره هخامنشی اهمیت داشته، و به نظر تولستوف^۱، پژوهشگر روسی، در یک دوره، آیین سیاوش در کانون اعتقادات مذهبی و اجتماعی قرار داشت (همان: ۷۴). با درآمدن اسلام به ایران، برخی رفتارها، رسوم و آیین‌های ایرانی که با انگاره‌های اجتماعی و فرهنگی تازه، معارض نبودند، با دگرگونی‌هایی در صورت و معنا و درآمیختن با مایه‌های اسلامی به حیات اجتماعی خود ادامه دادند (بلوکباشی، ۱۳۸۹: ۴۴۲-۴۳۲). با شهادت امام سوم شیعیان، او پیام‌آور رستگاری و آزادگی شد و نخل‌گردانی رنگ و بوی شیعی به خود گرفت، و در درازنای تاریخ تا امروز تداوم یافت. چلکوفسکی می‌گوید: نخل‌گردانی آیین حمل نخل است در جایگاه نمادی از تابوت امام حسین (ع)، در سوگواری جمعی برای شهادت او در روز دهم ماه محرم (عاشورا) و تراژدی (سوگواره) کربلا (Chelkowski, 2008).

در اینجا بیان نکته‌ای بایسته است و آن اینکه برخی اندیشمندان، ریشه‌های این آیین را مربوط به دوره صفوی می‌دانند. از آن میان می‌توان به دیدگاه عبدالحسین آیتی در تاریخ یزد (آیتی، ۱۳۱۷: ۲۴۴) و دیدگاه علی شریعتی در تاریخ و شناخت ادیان (شریعتی، -، ۳۲۳) اشاره نمود. با این همه علی بلوکباشی افزون بر اشاره به کهن بودن این آیین، بر این باور است که "شکل امروزی" این آیین از دوره صفوی در ایران شناسایی شده و از آن دوره تا امروز همچنان حفظ شده است (بلوکباشی، ۱۳۸۸: ۴۳۳). او معتقد است نشانه‌هایی از برگزاری این آیین از دوره بوئیان نیز در دست است (بلوکباشی، ۱۳۸۰: ۱۰۶). او صفوی بودن آغاز این آیین را درست ندانسته و ریشه صورت‌های نخستین این آیین را در ایران پیش از اسلام جستجو نموده است.

درباره گستره جغرافیایی - فرهنگی نخل‌گردانی، باید گفت هرچند این آیین را در سرتاسر ایران می‌توان دید، اما بلوکباشی این آیین را از آن "گستره فرهنگ کویری و

۱ - Sergey Tolstove: باستان‌شناس و قوم‌نگار روسی، سده بیستم میلادی.

شهرها و آبادی‌های کویرنشین و حاشیه کویر ایران^۱ می‌داند و بر این باور است که در این گستره نیز نخل‌گردانی بیشتر در یزد، تفت، نائین، ایبانه، کاشان، میبد، سمنان، زواره و آبادی‌های پیرامون آن‌ها اهمیت بسیار داشته است (بلوکباشی، ۱۳۸۰: ۵۷). چلکوفسکی نیز این آیین را مربوط به شهرها و روستاهای حاشیه کویر مرکزی بزرگ ایران از سمنان و دامغان به سمت قم، کاشان، خور، بیابانک، زواره، اردستان و نائین می‌داند (Chelkowski, 2008). هرچند بلوکباشی به گستره جغرافیایی - فرهنگی تهران نیز در پیوستگی با این آیین در جایگاه دوم اهمیت، اشاره می‌کند (بلوکباشی، ۱۳۸۰: ۸۳).

در بسیاری از آیین‌ها، اشیاء، جایگاه و نقش ویژه‌ای می‌یابند. توجه به اهمیت وجود اشیاء در آیین‌ها را در سخنان اندیشمندان و کارآزمودگان آیین‌شناس می‌توان دید. ویکتور ترنر^۱، آیین‌ها را بر این پایه تعریف می‌کند: کنش‌هایی کلیشه‌ای (تعریف‌شده و بازشناخته) که با اشاره‌ها، واژه‌ها، و اشیاء ویژه‌ای در همبستگی هستند، و در زمان و مکان ویژه و با هدف فراهم کردن سودهای دلخواه آیین‌گزاران برگزار می‌شوند (Turner, 1973: 110).

بانزل^۲ افزون بر اشاره به اهمیت نمادها در شکل‌گیری آیین‌ها، بر این باور است که نمادین بودن تنها محدود به اشیاء آیینی نیست، بلکه هر شیء، هر کلام، و هر کنشی در آیین، باری از مفاهیم را حمل می‌کند (Bunzel, 1938: 584). مفهوم ضمنی این سخنان، باور ترنر و بانزل به اهمیت اشیاء در آیین‌ها را بازگو می‌کند. فکوهی آیین‌ها و مناسک را با رویکردی اجتماعی، "مجموعه‌ای از کنش‌ها، حرکات، ابزار و اشیاء، مهارت‌ها و شیوه‌های هماهنگی و با هم بودگی و دعاها و اوراد و روابط حسی و عاطفی" می‌داند (فکوهی، ۱۳۹۳) و بلوکباشی نمادگرایی در آیین‌ها را متجلی چه در اشیاء و ادوات مادی آیین و چه کنش‌ها و رفتارها و ادوات معنوی می‌داند (بلوکباشی، ۱۳۹۲: ۳۲؛ رفیع‌فر و چاووشی،

۱- Victor Turner: انسان - فرهنگ‌شناس. او سال‌های دیرپایی را به کنکاش در زندگی و آیین‌های دودمان‌های

"زامبیا" در آفریقا پرداخته است.

۱۳۹۵). این اشاره‌های گوناگون به دست کارآزمودگان امر، برهانی بر اهمیت نقش و حضور اشیاء در آیین‌هاست.

آنچه در کنوانسیون صیانت از میراث فرهنگی ناملموس (پاریس-۲۰۰۳ میلادی) آمده است، می‌تواند تعریفی پایه‌ای و کلی‌نگر از شیء آیینی باشد. گفتار اول-بند دوم از این کنوانسیون می‌گوید: در راستای آرمان‌ها، میراث فرهنگی ناملموس عبارت است از کارها و کنش‌ها، بازنمایی‌ها، عبارات (گفتارها)، دانش، مهارت‌ها-همچنین "ابزار، اشیاء، مصنوعات" و فضاها، فرهنگی مرتبط یا وابسته به آن- که جوامع، گروه‌ها و، در برخی موارد، افراد، آن را در جایگاه بخشی از میراث فرهنگی‌شان (به رسمیت) می‌شناسند. (Basic Texts of the 2003 Convention for the Safeguarding of the Intangible Cultural Heritage. p. 5). از دیدگاه این کنوانسیون، اشیاء آیینی، ابزار، اشیاء و مصنوعاتی هستند که مرتبط یا وابسته به آیین‌ها می‌باشند، در آیین‌ها به کار می‌روند و به دست یک جامعه انسانی مشخص، در جایگاه میراث فرهنگی به رسمیت شناخته می‌شوند. در آیین نخل‌گردانی، شیء آیینی که همان نخل است، جایگاه درخور نگرشی داشته و در روند برگزاری آیین محوریت می‌یابد.

نخل، شیء یا دستگامی (آن‌گونه که ریچاردز (Richards, 1931: 164) و گذار (رمضان‌خانی، ۱۳۹۶: ۳۵۱) از آن نام می‌برند) یا هیكلی چوبی (آن‌گونه که اسلامی ندوشن در کتاب روزها (اسلامی ندوشن، ۱۳۹۲، ج ۱) و آیتی در تاریخ یزد (آیتی، ۱۳۱۷: ۲۴۸-۲۴۴) از آن یاد می‌کنند) و تابوت‌واره‌ای حجیم (آن‌گونه که بلو کباشی (بلو کباشی، ۱۳۸۰: ۴۱) بیان می‌کند) است که حجم اصلی و سازه‌ای آن قالبی مکعب مربع و گاه مکعب مستطیل دارد و دو جبهه پسین و پیشین آن با دو صفحه سَرونا و مشبک پوشانده شده است. نخل دارای استخوان‌بندی ویژه‌ای است که فراخور کوچک یا بزرگ بودنش، ساخته شده است از چوب‌بستی با یک کف‌بندی از چهار تا گاه بیش از بیست تیر چوبی، و چهار تا بیش از ده ستون چوبی، که این ستون‌ها در دو سوی درازا و پهنا با الوارهای چوبی مهار شده‌اند.

بلوکباشی در توصیف دو جبهه پسین و پیشین نخل‌ها به درستی گزاره "جناغی شکل سرونما و لب کنگره‌ای" (همان) را به کار می‌برد. هرچند کِروم، شکل ظاهری نخل را به قطره اشکی بزرگ مانند می‌داند (Korom, 2003: 78)، حصوری نیز نگاره نخل را استحالۀ تابوت سیاوش در یک روند تاریخی دیرپا، و ترکیبی از درخت سرو و تابوت سیاوش انگاشته است (حصوری، ۱۳۷۸: ۱۰۶). اسلامی ندوشن، نخل را ناهمانند با درخت نخل دانسته و می‌گوید با آنکه نخل همانند درخت نخل خرما نیست، آن را به نام این درخت می‌نامند؛ شاید با این برهان که آغازهاش از جنوب غربی و بین‌النهرین است. نخل بسیار مانند درخت سرو است و سرو در فرهنگ عامه یعنی جاودانگی و رشادت و زندگی آن جهانی و آزادگی (اسلامی ندوشن، ۱۳۹۲، ج ۱).

نخل‌ها سراسر از چوب ساخته می‌شوند و برای پیوندها- جز بخش‌هایی که روش کام و زبانه کارساز است- از میخ‌ها، گل‌میخ‌ها و بست‌های آهنی استفاده می‌شود. در روش اصیل ساخت نخل، از هیچ‌گونه چسبی استفاده نمی‌شود (مجاور^۱، مصاحبه، ۱۳۹۶). چوب به کار رفته در ساخت نخل، چوب چنار و گاه توت و گردو (از برای استحکام) برای پایه‌ها و دو صفحه سرونما، و چوب سپیدار (از برای انعطاف‌پذیری و بلندی الیاف چوب) برای کف‌بندی است که همچون حامل در دستان آیین‌ورزان قرار می‌گیرند (مجاور، مصاحبه، ۱۳۹۶ و ابویی مهریزی^۲، مصاحبه، ۱۳۹۶). این چوب‌ها از نواحی پیرامون یزد فراهم می‌شده است. درباره اندازه نخل باید گفت، نخل‌ها در اندازه‌های گوناگون ساخته می‌شوند و بزرگی و کوچکی آن‌ها به میزان پشتوانه مالی تعیین شده (بیشتر وقف یا نذر شده) برای ساخت، بستگی بسیار دارد.

۱- عباس مجاور، متولد ۱۳۱۶ ه.ش، ساکن یزد، ایشان سال‌ها در کارگاه میراث فرهنگی یزد مشغول به کار بوده‌اند و هم‌اکنون کارگاه خود در محله بازار نو در یزد را اداره می‌کنند.

۲- اکبر ابویی مهریزی، متولد ۱۳۲۶ ه.ش، ساکن یزد، ایشان سال‌ها در کارگاه میراث فرهنگی یزد مشغول به کار بوده‌اند. کارگاه ایشان در ابتدا در مهریز و سپس در یزد بوده است.

از میان نخل‌های کوچک، نخل خانه امام حسین‌ها با بلندای نزدیک به دو متر و هفتاد سانتی متر و نخل تکیه شاه ابوالقاسم با بلندای نزدیک به چهار متر و هفتاد سانتی متر، و از میان نخل‌های بزرگ، نخل میدان امیر چخماق با بلندای نزدیک به هشت و نیم متر (افشار، ۱۳۷۴: ۷۰۹) و نخل میدان شاه ولی در تفت به بلندای نزدیک به یازده متر (پرونده ثبت ملی آیین نخل‌گردانی) را می‌توان نام برد (عکس‌های ۱ تا ۶).



عکس ۱- نخل تکیه شاه ابوالقاسم؛ بلندای تقریبی: چهار متر و هفتاد سانتی متر (منبع: نگارندگان).



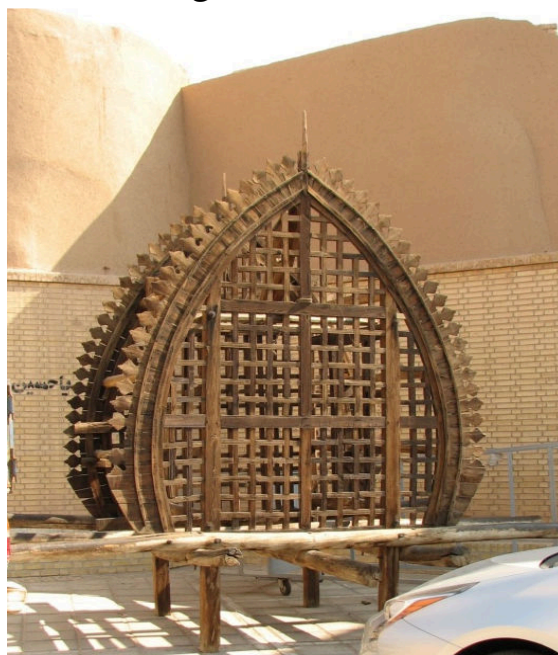
عکس ۲- نخل میدان امیر چخماق در شهر یزد؛ بلندای تقریبی: هشت و نیم متر (منبع: نگارندگان).



عکس ۳: نخل تکیه وقت و ساعت که بر روی سکو مستقر شده است. این سکو زمانی پایه‌ای برای یک ساعت آفتابی کهن در این محله بوده که امروز اثری از آن باقی نیست. از دیگر سو، این سکو بسیار شبیه به کلک در میدان‌گاه تکیه‌هاست (منبع: نگارندگان).



عکس ۴: عکسی که توسط هاسو هومان^۱ عکاس آلمانی در فاصله سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۲ میلادی از نخل میدان وقت و ساعت برداشته شده است (منبع عکس: Hohmann, 2018).



عکس ۵: نخل متعلق به خانه امام‌حسینی‌های یزد در محله بازار نو؛ بلندای تقریبی: دو متر و هفتاد سانتی‌متر (منبع: نگارندگان).

1. Hasso Hohmann



عکس ۶: نخل میدان شاه (یا نخل بعثت) در شهر یزد؛ بلندای تقریبی: یازده متر (منبع: نگارندگان).

۲- سازوکار برگزاری نخل‌گردانی در جایگاه آیینی شیء محور:

آیین نخل‌گردانی حول محور نخل شکل می‌گیرد. نخل در روند برگزاری آیین نخل‌گردانی، محوریت می‌یابد و بدون وجود نخل این آیین برگزار نشده و رسمیت نمی‌یابد. مطالعه‌ای گزیده در آیین‌هایی که اشیاء در آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند، نشان می‌دهد که اشیاء در آیین‌ها از چشم‌انداز جایگاه، یا: الف- نقش محوری در برگزاری آیین دارند؛ بدین معنا که در روند آیین مرکزیت می‌یابند و نقطه‌ای برای گردآمدن و آیین‌ورزی آیین‌ورزان هستند؛ و یا: ب- در برگزاری آیین‌ها بدون نقش محوری کاربرد می‌یابند.

اشیاء محوری در آیین‌ها، همواره کارکرد نمادین داشته و اگر جز این باشد، استثناء محسوب می‌شود. در مقابل، اشیائی که نقش محوری در آیین‌ها ندارند، الزاماً نمادین نبوده و چه بسا کارکرد نمادین و یا کاربردی جز آن داشته باشند. از شاخص‌ترین نمونه‌های گروه اول در میان آیین‌های ایرانی می‌توان به "قالی" در آیین "قالی‌شویان" که شیئی محوری و نمادین است، اشاره نمود. حضور قالی در آیین قالی‌شویان نمادین بوده، و در روند

برگزاری آیین مرکزیت می‌یابد. همچنین است "سُدْره" در آیین "سُدْره پوشی"^۱ نزد زرتشتیان. از اشیاء گروه دوم، می‌توان به "چق چقه"های چوبی در آیین "سنگ‌زنی" یا "چاق-چاقه‌زنی" به‌ویژه نزد مردمان "ابیانه" در کاشان و "انجدان" در "اراک" که اشیائی غیر محوری و کاربردی هستند، اشاره نمود. در میان فرهنگ‌های دیگر می‌توان به "تلیط"^۲ و "منوره"^۳ نزد یهودیان اشاره کرد. از این چشم‌انداز، نخل در گروه اول قرار می‌گیرد، چرا که شیئی محوری و نمادین در برگزاری آیین نخل‌گردانی است و روند فیزیکی برگزاری این آیین، حول محور این شیء پا گرفته است.

در ساخت نخل اولین گام از سوی جامعه آیین‌ورز تأمین هزینه‌هاست. چشمه اصلی تأمین هزینه‌های ساخت یک نخل، دو سنت نذر و وقف است. پس از فراهم شدن نخل، آن محله می‌تواند آیین نخل‌گردانی را برگزار کند. در واقع بدون وجود نخل، امکان برگزاری این آیین وجود ندارد و بوده‌اند برخی محله‌ها در سطح استان یزد که به واسطه نبود نخل یا فرسودگی بسیار آن، از برگزاری آیین بازمانده‌اند. پس از فراهم کردن نخل، از آن در صحن تکیه، حسینیه، یا امامزاده و یا در میدان کوی یا محله نگهداری می‌شود تا زمان سپندین برگزاری آیین فرارسد. در این زمان نخل را طی مرحله‌ای به نام نخل‌آرایی یا نخل‌بندی برای برگزاری آیین آماده می‌کنند. نخل‌آرایی به معنای آراستن نخل با آرایه‌هایی ویژه و نمادین است. نخل‌آرایی کنشی بسترمند و فرهنگی است و به همین دلیل

۱- آیین "سُدْره‌پوشی" (Sodreh-Pūshī) یکی از آیین‌های زرتشتیان است. سُدْره‌پوشی به منزله تولد دوباره است. از همین رو این آیین را "نوزاد" یا "نوزات" نیز می‌نامند. زرتشتیان این مراسم را برای فرزندان خود بین سنین ۷ تا ۱۰ سالگی برگزار می‌کنند. سُدْره پیراهنی است گشاد، سپید‌رنگ، بدون یقه و با آستین‌های کوتاه که از پارچه سفید درست شده و دارای دو کیسه بسیار کوچک است، یکی در جلوی سینه و نزدیک قلب که گریبان خوانده می‌شود و دیگری در پشت که گرده نامیده می‌شود. در جلوی سُدْره از گردن به پایین، چاکی قرار دارد که تا قسمت سینه می‌رسد و در انتهای آن کیسه کوچکی به نام کیسه "کرفه" قرار گرفته است که به عقیده زرتشتیان مؤمن، گنجینه "هومت"، "هوخت"، "هورشت" است. بعد از آنکه طفل سُدْره‌پوش شد و کشتی بست، به عنوان یک زرتشتی شناخته شده و حق دارد مانند سایر زرتشتیان در مراسم مذهبی و اجتماعی زرتشتیان شرکت کند (نیک‌نام، ۱۳۷۹).

۲- Tallit: شال پارچه‌ای حاشیه‌دار برای نماز نزد یهودیان

۳- Menorah: شمع‌دان هفت شاخه به کار رفته در آیین‌ها و مراسم یهودیان

این آرایه‌ها در مناطق مختلف، متفاوت بوده و هر منطقه با عناصری که در فرهنگ بومی آن منطقه بیانگر گونه‌ای از زیبایی مذهبی و زیبایی مقدس و گاه حامل بار حماسی است، انجام می‌شود.

در نخل‌آرایی که کنشی جمعی است، آیین‌ورزان با اهمیت‌ترین عناصر حیات فرهنگی خود را به کار می‌برند. کار نخل‌آرایی را شخصی به نام "نخل‌بند" یا "نخل‌آرا" که در برخی مناطق با نام "بابای نخل" یا "نخلی" نیز خطاب می‌شود، انجام می‌دهد. در گذشته این کار تنها توسط گروه اجتماعی مشخص و افراد مشخصی که کار نخل‌آرایی در خانواده آن‌ها موروثی بوده، انجام می‌شده است.

از این زمان به بعد نخل به مرکز توجه و کانون آیین‌ورزی تبدیل می‌گردد و ماهیت قدسی آن بارزتر می‌شود. در نخل‌آرایی، که به گونه‌ای بیانگر احترام به نخل بوده و با هدف برجسته کردن ماهیت قدسی آن و کشش توجه آیین‌ورزان به نخل انجام می‌گیرد، اصول زیبایی‌شناسی به‌ویژه تقارن، لحاظ می‌گردد. در ایران هر منطقه‌ای سبک نخل‌آرایی خود را داشته و با عناصری که از منظر زیبایی‌شناسی فرهنگی آن منطقه، زیبایی مذهبی و مقدس دارند، انجام می‌شود. گاهی المان‌هایی که بار حماسی دارند نیز در نخل‌آرایی کاربرد می‌یابند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در شهرهای استان یزد، آینه، پوش پارچه‌ای سیاه و گاه سبز که کتیبه‌ها و نقوش بر روی آن گلدوزی یا چاپ‌شده است، دشنه (خنجر)، شاخ و برگ‌های سبز گیاهان ظریف و درختچه‌ها مانند شمشاد و گاه گل، شال‌های پارچه‌ای^۱، قطعات چوبی به شکل سرو که تزئین و گاه نقاشی می‌شود، و میوه انار و سیب یا به، و گاه سپر و سنج، پرکاربردترین موارد در آراستن نخل‌ها هستند. درعین حال تفاوت‌هایی نیز در نحوه نخل‌آرایی هر شهر دیده می‌شود. این در حالی است که به‌عنوان مثال در ایبانه کاشان، پارچه و سرپوش‌ها و زیورآلات زنانه (به‌ویژه فلزی) (کاظمی، ۱۳۹۱: ۱۱۳) به شکلی

۱- در گذشته پارچه‌های گرانبهایی که هنر دست مردمان یزد بوده مانند مخمل و ترمه، برای آراستن نخل به کار می‌رفته و امروز پارچه‌های رنگارنگ معمولی توسط مردم نذر نخل می‌شود (رمضان‌خانی، ۳۴۸).

قابل توجه کاربرد دارند.

پس از آراسته شدن نخل، در زمان سپیدین مقرر، آیین نخل گردانی آغاز می‌گردد. پس از انجام کنش‌های آیینی مقدماتی که مهم‌ترین آن‌ها "چاووش خوانی"^۱ و گاه "توجوشی خوانی"^۲ و "شور خوانی"^۳ است، "پایه‌داران" که کار نخل برداری را انجام می‌دهند، به سمت نخل رفته و دستک‌های آن را در میان بازو و آرنج دو دست خود می‌گیرند. پایه‌داران، نخل را بر روی بازوان خود بلند می‌کنند و شروع به حرکت می‌کنند. از آنجا که نخل، سازه‌ای بزرگ و سنگین است و وزن آنگاه به چند تن می‌رسد، و بلند کردن و حرکت دادن آن کاری حساس و دشوار است، هماهنگی میان آیین‌ورزان اهمیت بسیار دارد و هماهنگی آنان در سرعت حرکت و چرخش‌ها می‌تواند پرخطر باشد. حرکت آیین‌ورزان، سوی حرکت و سرعت آن، توسط "نخل نشین"^۴ که اغلب بر فراز نخل می‌نشیند و یا بر روی یکی از هرسم‌ها^۵ می‌ایستد، و دو سنج در دست دارد و یا صدای بلند و رسایی دارد، هدایت می‌گردد. زمانی که نخل توسط مردان پای نخل، به دور "کلک"^۶ حسینه یا تکیه گردش داده می‌شود، گروهی از آیین‌ورزان به دنبال آن حرکت

۱- چاووش خوانی رسم شعرخوانی به آواز با آدابی خاص در بدرقه و استقبال زائران است (عنصری، ۱۳۶۶، ۱۶۴). هرچند کارکرد اصلی چاووش خوانی، بدرقه زائران است، اما کارکردهای دیگری نیز در برگزاری مراسم سوگواری دارد (بلوکباشی، ۱۳۸۰، ۷۱-۷۰).

۲- توجوشی خوانی یا جوشی خوانی یا جوش خوانی، خواندن اشعار سوگوارانه با ضرباهنگ تند است که هم زمان با آن گروه سوگواران، به کنش‌های سوگوارانه و بی‌تابانه چون بر سر یا سینه زدن می‌پردازند. جوش خوانی را می‌توان شکلی هیجانی از ذکرگویی آیین‌ورزان دانست.

۳- مانند جوشی خوانی، گونه‌ای از ذکرگویی با ضرباهنگ تند است. شورخوانی با نوحه خوانی در دستگاه شور متفاوت است.

۴- شخصی که بر فراز نخل می‌نشیند و یا بر روی پاده (پایه) نخل می‌ایستد و آیین‌ورزان را هدایت می‌کند. این شخص ممکن است بابای نخل باشد و یا شخص دیگری از جامعه آیین‌ورز که نیک‌نام و توانا بر این امر باشد.

۵- دستک یا هرسم، الوارهای افقی هستند که در زمان نخل گردانی، بر روی دستان آیین‌ورزان قرار می‌گیرند.

۶- کلک (Kalak) ستونی منشوری شکل و میان تهی به ارتفاع دو متر که در میانه یک تکیه بنا کرده‌اند. در قدیم شب‌ها با افروختن آتش در آن، فضای میدان را روشن می‌کردند (جانب‌اللهی، ۱۳۷۹، ۱۳۷).

می‌کنند و گروهی دیگر نیز که غالباً زنان هستند به نظاره می‌ایستند.

پس از پایان یافتن نخل‌گردانی، آن را بر زمین می‌گذارند و باز به چاوش خوانی و توجوشی خوانی می‌پردازند. تمام سازگان آیین نخل‌گردانی از ابتدا تا انتها بر محور حضور نخل استوار است. در سازگان آیین و طی تمام مراحل آن و تعاملات آیین ورزان با نخل، نوعی از احترام چه در عمل و چه در کلام مشهود است. اما تعامل جامعه آیین ورز با نخل در جایگاه یک شیء آیینی تنها محدود به کارآمدی آن‌ها در ساز و کار آیین نیست.

زمانی که یک شیء آیینی از سازگان آیین خارج می‌شود، جامعه آیین ورز بسته به سنت‌های فرهنگی و اعتقادی خویش، رفتاری ویژه را با آن برمی‌گزیند، چراکه شیء آیینی به واسطه ارزش‌هایش نمی‌بایست مانند یک شیء معمولی کنار گذاشته شود. حضور نخل‌ها در سازگان آیین، و تعاملاتی که آیین ورز به واسطه برگزاری آیین نخل‌گردانی با نخل دارد، آن را صاحب روحی می‌کند که پس از خروج نخل از سازگان آیین نیز، همچنان پابرجا باقی می‌ماند.

نخل‌ها ممکن است پس از سال‌ها محوریّت در آیین، به دلیل فرسودگی از چرخه برگزاری آیین خارج شوند. این کار آداب خاص خود را داشته و با حفظ حرمت‌ها انجام می‌گیرد. رفتار آیین ورزان در این باره، به چند صورت است. در گذشته رسم بر این بوده است که نخل کهنه را در برافروختن آتش برای تهیه خوراک برای سوگواران می‌سوزانده‌اند (مطالعات میدانی نگارندگان؛ رمضان‌خانی، ۱۳۹۶: ۳۵۵). سوزاندن نخل کهنه در شهرهای دیگر ایران از جمله در سبزوار نیز رایج بوده است (عسگری و سپهر، ۱۳۹۲: ۱۸۰-۱۶۱). مشابه این رفتار را می‌توان در فرهنگ‌های دیگر نیز مشاهده کرد. نمونه آن، رفتار ویژه یهودیان با گروه خاصی از اشیاء آیینی‌شان با عنوان "تشمیشی کدوشا"^۱ است؛ آن‌ها هر زمان که یکی از این اشیاء مانند یک "طومار توراه"^۲، دیگر قابل استفاده

۱- Tashmishey Kedusha: گروهی از اشیاء مقدس نزد یهودیان به ویژه اشیاء دربردارنده نام خداوند.

۲- Torah Scroll: تومارهای کاغذی دربردارنده متون تورات

نباشد، آن را به شکل مناسبی دفن می‌کنند (Green, 1992: 31-39). همچنین در سنت "اشکنازی‌ها"^۱ نیز این اشیاء در گورستانی ویژه دفن می‌شوند (Ibid). هر دوی این رفتارها هرچند در ظاهر، از بین بردن شیء هستند، اما در واقع گونه‌ای از عروج دادن شیء آیینی هستند. "دیوید الر"^۲ معتقد است «سوزاندن اشیاء مناسکی امری غیرمعمول نیست، و سوزاندن راهی برای "ارسال" آن‌ها به جهان ماورائی است» (Eller, 2007؛ الر، ۱۳۹۲).

در برخی تکیه‌ها و حسینیه‌ها نیز در صورت ساخت نخل تازه، نخل کهنه را همچنان حفظ می‌کنند. این نخل غالباً در کنار نخل تازه و درون حسینیه یا تکیه نگهداری می‌شود. نکته مهم این است که تعامل میان آیین ورز و نخل گسسته نمی‌شود. «نخل‌های به نظر رها شده همچنان مورد احترام هستند» (Abouseif and Vernoit, 2006). هرچند نخل کارکرد خود را به عنوان یک شیء حاضر در آیین از دست می‌دهد، اما همچنان روح ارزندگی و تعامل با آیین ورز در آن جاری باقی می‌ماند. گاه نخل قدیمی را در میدان گاه یا مرکز کوی یا محله قرار می‌دهند که این رسمی نسبتاً تازه است (عکس ۳). تنها یکی از موارد متعدد، در حسینیه شاه ولی در تفت، مشهود است. پس از ساخت نخل جدید توسط استاد "سید محمد موسوی"، نخل قدیمی را که «در حدود یک سده پیش توسط استاد "علی اکبر نجار"، نجار به نام یزدی ساخته شده است» (رمضان خانی، ۱۳۹۶: ۳۳۵)، به انتهای خیابان منتهی به میدان شاه ولی منتقل کرده‌اند. هرچند این نخل از سازگان برگزاری آیین و از مکان حسینیه خارج شده است، اما همچنان مورد توجه آیین ورزان است. دیگر نمونه‌های بارز این امر، نخل‌های تکیه میدان شاه، و تکیه میدان وقت و ساعت، در یزد، نخل حسینیه کوشک نو در اردکان، و نخل تکیه محله سربالا در فیروزآباد می‌باشند (عکس ۷).

۱- Ashkenazic: گروهی از یهودیان که اصلیتی از اروپای شرقی و مرکزی دارند.

۲- Jack David Eller: انسان‌شناس امریکایی، معاصر



عکس ۷: نخل تکیه محله سربالای فیروزآباد در میبد (منبع: نگارندگان).

هرچند امکان نخل برداری با این نخل‌های قدیمی وجود ندارد، اما نشستن پای نخل و گردآمدن به دور آن در ایام سوگواری، ادای احترام به نخل، حاجت‌خواهی و توسل‌جویی، و نمازخواندن و دعا کردن زیر نخل، و گاه اجرای سنت نخل‌آرایی در ایام سوگواری، از جمله رفتارهای آیینی و تعاملات جامعه آیین‌ورز با نخل‌هاست که پس از خروج نخل‌ها از سازگان برگزار آیین، همچنان پابرجاست. در آگاهی‌نامه "کبک"، مفهومی زیر نام "روح مکان"^۱ پیش‌نهاد می‌شود که گردآمده‌ای از عناصر ملموس و ناملموس تعریف شده است که به یک مکان، معنا، ارزش، احساس، و راز آمیزی می‌دهند (Québec Declaration, 2018).

روح مکان، یک چگونگی ناملموس است که برآمده از گرایش چگونگی‌های ملموس و ناملموس یک مکان است. این ویژگی پایدار، سرشت یک مکان را می‌سازد،

1. Québec Declaration on the Preservation of the Spirit of Place
2. Genius loci

سرشت و شخصیتی که در گذر زمان شکل گرفته است. این روح تنها در مکان پدید نمی‌آید، بلکه یک شیء نیز با بودن گردآمده‌ای از ویژگی‌های مادی و معنوی‌اش، در گذر زمان و در تعامل با محیط، فضا و انسان، و آنچه در درازنای زمان، بر او می‌گذرد، جایگاه این روح می‌شود. نخل‌ها را باید دارنده این روح دانست. نخل‌ها با بودن اندیشه و فلسفه ارزشمند نهفته در پس شکل‌گیری‌شان، دارای هویت و ماهیتی ویژه شده‌اند و پایایی در حیاتشان، چنان جایگاهی در نزد آیین‌ورزان به‌ویژه شیعیان شهرها و روستاهای کویر و حاشیه کویر مرکزی ایران، به آن‌ها بخشیده است که، چه در زمان برگزاری آیین و چه جز آن، در جایگاه یک شیء سپندین دارای ارزش‌های گوناگون شده و از گستره یک شیء عادی فراتر رفته‌اند.

۳- آسیب‌ها و عوامل تهدیدگر تداوم حیات اصالت‌مند نخل‌ها

آسیب‌هایی که بسیاری از آیین‌ها را تهدید کرده و آن‌ها را از چرخه زندگی انسان خارج ساخته‌اند، آیین نخل‌گردانی را نیز تهدید می‌کنند. این امر از اندیشه در "تغییرها در چگونگی برگزاری آیین و مقدمات و مؤخرات آن، به نحوی که دور شدن از ساختار سنتی - معنوی آن را به همراه داشته باشند"، قابل دریافت است. بنا بر پیوستگی دوسویه "آیین نخل‌گردانی" و "شیء آیینی نخل"، و آمیختگی خط سیر برگزاری آیین با حضور نخل، و شناخت عواملی که حیات آیین نخل‌گردانی را تهدید می‌کنند، نمی‌تواند جدا از آنچه بر نخل‌ها می‌گذرد، باشد. قابل ذکر است آنچه در این بخش بیان می‌گردد، جریانی است که به آهستگی رو به نیرو گرفتن است و به عنوان کلیتی که بر آیین نخل‌گردانی در یزد حکم می‌کند، مطرح نمی‌گردد. این نکته از این روی بیان شد که در موارد گوناگونی نیز همچنان ساختار اصیل این آیین، حفظ شده است.

در جایگاه نخستین و مهم‌ترین عامل، "کم‌رنگ شدن پابندی به اعتقادات مذهبی"، خطری است که تداوم حیات اصالت‌مند آیین نخل‌گردانی را تهدید می‌کند. "ارتباط گسترده جوامع"، "پذیرش‌های فرهنگی"، و "کم‌رنگ شدن اعتقادات مذهبی و حرکت

به سوی مادی‌گرایی"، در نتیجه تغییر در مفهوم ارزش و شکل‌گیری ارزش‌های پست‌مدرن، دامن‌گیر تمام جوامع انسانی‌ست و به تعبیر بزرگی، "ایمان، گم‌شده انسان معاصر است". به تعبیر "استاول"، «نوسان در پایبندی به ایمان، اولین خطر تهدیدکننده میراث مذهبی زنده است» (Stovel and others, 2005: 9). این امر کاملاً نسبی بوده، در برخی جوامع با حرکت کندتری پیش‌روی می‌کند، و در حوزه جغرافیایی-فرهنگی کویر یزد نیز چنین است.

با این حال میراث آیینی در این حوزه، از این آسیب در امان نیست. با کم‌رنگ شدن پایبندی به اعتقادات مذهبی، علاوه بر اینکه از حمیت و پیگیری جامعه آیین‌ورز در برگزاری آیین کاسته می‌شود، خطر بی‌محتوایی نیز تهدیدکننده است. بدین معنا که برگزاری آیین بدون اعتقاد به مبانی فکری آن، تنها حفظ پوسته‌ای از آیین است. اجزای تشکیل‌دهنده نظام آیین نخل‌گردانی از ابتدایی‌ترین گامه‌ها، "سنت‌ها" و "آدابی" هستند که ریشه در اعتقادات جامعه آیین‌ورز دارند. با سست شدن اعتقادات، این آداب و سنت‌ها که در بطن فرآیند برگزاری آیین مستترند، به دست فراموشی سپرده می‌شوند.

"کم‌رنگ شدن دو سنت "وقف" و "نذر" که به گونه‌ای خودجوش مهیاگر زمینه‌های برگزاری آیین هستند و فقدان آن‌ها، سازگان این آیین را در تمام ابعاد متأثر می‌سازد"، "تلاش در هر چه پرطمطراق‌تر برگزار کردن آیین بدون توجه به بنیان‌های فکری و اعتقادی آن در رقابت با تکیه‌ها و حسینیه‌های دیگر"، "سپردن واری‌ها و تعمیرات دوره‌ای نخل‌ها به افرادی که از دانش بومی، مهارت، و آداب این امر ناآگاه‌اند"، "فراموش شدن ظرایف فنی در روش اصیل ساخت نخل‌ها و آداب آن در نخل‌سازان نسل جدید"، و "جایگزین شدن نوحه‌خوانی‌های بدون مضمون متعالی، به جای چاووش‌خوانی و جوش‌خوانی که محتوای آن برآمده از مفاهیم اعتقادی و صورت آن برآمده از سنت‌های

۱- Herb Stovel: حفاظت- مرمتگر میراث فرهنگی، کانادا، معاصر

۲- این موضوع، در کار اغلب نخل‌سازان نسل جدید، مشهود است، هرچند برخی از آنان همچنان به این اصول و آداب پایبندند.

ریشه‌دار است"، مهم‌ترین آسیب‌های تهدیدگر آیین نخل‌گردانی هستند. به‌طور ویژه درباره نخل‌ها، ساخت شبه نخل‌های فلزی، آسیبی است که چندی‌ست شکل گرفته است. ساخت شبه نخل‌هایی از جنس ورق‌های فلزی-مشهود در محدود محله‌ها و روستاها- گویای جهت‌گیری‌های جدید در چگونگی برگزاری آیین نخل‌گردانی است که دور شدن از شیوه سنتی و وانهادن اصول فرهنگی-انسانی این آیین، آغاز و انجام آن است. حرکت به این سو را باید در مرتبه اول، متأثر از تنزل ارزش‌های اعتقادی و در مرتبه دوم، برآمده از سه موضوع دانست:

الف. تلاش در کاهش هزینه‌های ساخت،

ب. سادگی و سهولت جابجایی و نگهداری از شبه نخل‌ها، و طول عمر بیشتر آن‌ها،

ج. کاسته شدن از تعداد استادکاران نخل‌سازی که آگاه و پایبند به روش سنتی

ساخت نخل‌ها و آداب آن هستند.

بدین گونه آنچه اهمیت می‌یابد صرفاً برگزاری آیین است و چرایی و چگونگی آن

مورد توجه نیست.

آسیب‌رسان بودن این امر، خود از دو جهت قابل بررسی است:

الف. با از میدان به در شدن نخل‌های چوبی و ورود شبه نخل‌های فلزی، بخشی از

رفتارهای سنتی شکل‌دهنده به سازوکار آیین نیز فراموش می‌شوند. در حقیقت آیین نخل

تنها برداشتن و گرداندن نخل در یک روز مشخص نیست، بلکه این آیین، یک زنجیره

پیوسته از مجموعه رفتارها و کنش‌های آیینی است که در تمام طول سال در جریان هستند.

این زنجیره پیوسته، از زمانی که تصمیم به انتخاب چوبی مناسب از درختی شایسته، برای

ساخت نخل گرفته می‌شود، آغاز می‌گردد. یکی از این کنش‌ها، نگهداری آیینی از

نخل‌های چوبی است. این نگهداری، هم به واسطه کیفیات چوب و هم به واسطه تقدس

نخل است که صورت می‌گیرد. تقدس همراه خود احترام می‌آورد، و احترام همواره با

توجه همراه است. از دیگر سو، ویژگی‌های چوب به‌عنوان یکی از مصالح آسیب‌پذیر،

نگرانی و توجه همیشگی در نگهداری را می‌طلبد که این توجه و نگرانی خود را در قالب شکلی از پایش دوره‌ای توسط جامعه آیین‌ورز نشان می‌دهد.

ب. جایگزین شدن نخل‌های چوبی با شبه نخل‌های فلزی، از اقبال جامعه آیین‌ورز به شرکت در این آیین می‌کاهد. از آن جمله است جایگزین کردن نخل قدیمی مسجد روستای "ایراج" در "خور و بیابانک" با شبه نخل فلزی و کم شدن اقبال اهالی روستا به این آیین، چراکه به زعم شخص ایشان شبه نخل فلزی جدید ارزش و تقدس نخل قدیمی را ندارد و پس از جایگزین شدن آن، "جوانان را به اصرار می‌برند تا زیر نخل را بگیرند" (مشاهدات میدانی نگارندگان).

از دیگر سو نخل‌های خارج شده از سازگان آیین، با وجود ارزش و احترامی که نزد جامعه آیین‌ورز دارند، به واسطه ساکن بودنشان، مورد واریسی‌های دوره‌ای قرار نمی‌گیرند و از این روی سیر فرسایش کالبدی را به سرعت طی می‌کنند.

توریسم را نیز باید خطری برای تمام آیین‌های زنده دانست. به تعبیر داریوش شایگان، «توریسم، عامل آلودگی فرهنگی است و فرهنگ‌ها را به "فولکلور" مبدل می‌کند...» توریسم آخرین بلایی است که تمدن‌های زنده را تهدید می‌کند و همه چیز را زیر آوار خود می‌گیرد، منظور کلیه ارزش‌های معنوی یک فرهنگ است... آنجا که توریست پیدا شود، مراسم سری آیین تشرف مبدل به قیل و قال سیرک می‌شود، و معابد و مساجد نیز به بازار مکاره، و خشوع و خضوع زائر به کنجکاوی تنزل می‌یابد و شوق خلوت‌گزینی به تشدید لذت (شایگان، ۱۳۸۲: ۸۴). این امر که در سده بیستم میلادی مورد توجه داریوش شایگان قرار گرفته بود، در قرن حاضر و در سال‌های اخیر تبدیل به موضوعی مهم در مباحث و پژوهش‌های متخصصین امر حفاظت از میراث فرهنگی شده است (نگاه کنید به: Causta and Vecco, 2017).

همچنین این نکته را نباید در مورد آیین نخل‌گردانی فراموش کرد که نظاره‌گران و سوگواران همراهی‌کننده پایه‌داران نخل نیز بخشی از گروه آیین‌ورز بوده و حضور آنان یک حضور آیینی و بخشی از سازوکار آیین است. "حسین نصر" در مقاله "هنر قدسی در

فرهنگ ایران"، ضمن اشاره به برابر بودن جایگاه تماشاگران تعزیه و بازیگران آن، می‌گوید: «تماشاگران به اندازه بازیگران در اجرای تعزیه نقش دارند و دو گروه با همه وجود در تکرار وقایع مقدس، شریک‌اند. تماشاگر شکاکی که به این وقایع ایمان ندارد، نمی‌تواند از صمیم دل در تراژدی امام حسین (ع) و اصحابش حاضر باشد. حضور جمعیتی ناهمگون که به این حقایق دینی اعتقادی ندارند به نحو شگفت‌انگیزی وحدت میان بازیگر و ناظر را، که رکن اصلی تعزیه است، مخدوش می‌کند» (نصر، ۱۳۹۲: ۹۰). یکدستی و همبستگی میان پایه‌داران، همراهی‌کنندگان، و نظاره‌گران را باید از ارکان آیین نخل‌گردانی و یکی از مؤلفه‌های اصالت‌مندی این آیین دانست.

آیین نخل‌گردانی نیز چند سالی است که مورد توجه گردشگران قرار گرفته و هر ساله در زمان برگزاری این آیین، تعداد قابل‌توجهی از آنان در میان جمعیت حضور دارند. هر چند چنین تهدیدی برای این آیین در آغاز راه است و با آسیب‌هایی که با قوت گرفتن توریسم به دیگر میراث‌زنده در کشورهایی چون "لائوس" وارد شده (نگاه کنید به: Causta and Vecco, 2017)، قابل‌قیاس نیست، و از دیگر سو نگارندگان در این مجال قصد نقد توریسم و بررسی اثرات آن بر میراث‌زنده را ندارند، اما اگر در پی حفاظت متعهدانه از میراث آیینی باشیم، توجه به این مهم باید از ارکان باشد.

توسعه شهری را نیز نباید از نظر دور داشت. این امر در سیر حیات نخل‌ها تأثیرگذار بوده است. از آن جمله‌اند نخل‌های تکیه امیر چخماق و تکیه شاه‌طهماسبی (میدان شاه). این دو تکیه واقع در دو میدان، روبروی هم، ساخته شده و نخل آن‌ها، نام‌آشنا‌ترین نخل‌های یزد هستند. «توسعه شهری یزد در سال ۱۳۲۲ هجری خورشیدی و ایجاد یکی از خیابان‌های اصلی شهر یزد در فاصله این دو میدان و تخریب بخش‌هایی از تکیه آن‌ها» (گلشن یزدی، ۱۳۸۴) را، باید یکی از عوامل تأثیرگذار در متوقف شدن برگزاری آیین نخل‌گردانی در این دو تکیه دانست. "جلال آل‌احمد" در کتاب "ارزیابی شتاب‌زده" می‌گوید: «سه چهار تا نخل بزرگ در گوشه و کنار شهر است. در روزگاری که آسمان شهر را، شبکه‌بندی درهم و برهم سیم‌کشی‌های برق و تلفن، مغشوش نکرده بود، برای حرکت دادن هر کدام از

آن‌ها، دست کم صد مرد لازم بوده است؛ اما سیم‌های تمدن در آسمان شهر، پای این نخل‌ها را مدت‌هاست به زمین کوبیده است» (آل احمد، ۱۳۴۳).

مباحث

مطالعه آسیب‌های مطرح شده به شکلی هدفمند، دسته‌بندی ذیل را پیش روی می‌نهد. آسیب‌شناسی این آیین نشان می‌دهد که سرمنشأ عمده آفت‌ها و تهدیدگرهای این آیین، خلل در یکی از این سه گزاره است که می‌توان آن‌ها را ارکان تداوم حیات اصالت‌مند آیین نخل‌گردانی نیز دانست:

- الف: اعتقاد جامعه آیین‌ورز به مفاهیم بنیادین آیین نخل‌گردانی و پایداری در آن
- ب: سنت‌های تاریخی و آداب سنتی جاری در سازگان آیینی نخل‌گردانی و استمرار آن‌ها
- ج: دانش و مهارت در روش سنتی ساخت و حفاظت نخل‌ها و آداب آن، و حیات و انتقال آن‌ها

الف. آسیب‌های متوجه اعتقاد جامعه آیین‌ورز به مفاهیم بنیادین آیین نخل‌گردانی و پایداری در آن.

الف-۱- "کم رنگ شدن پایبندی به اعتقادات مذهبی" و "کاسته شدن از حمیت و پیگیری جامعه آیین‌ورز در برگزاری آیین"، در نتیجه "ارتباط گسترده جوامع"، "پذیرش‌های فرهنگی"، و "حرکت ناگزیر جوامع به سوی مادی‌گرایی".

الف-۲- "بی‌محتوایی آیین به معنای برگزاری آن بدون آگاهی و اعتقاد به مبانی فکری آن" و در نتیجه برجای ماندن پوسته‌ای از آیین، با ظهور نشانه‌هایی چون "تلاش در هر چه پرطمطراق تر برگزار کردن آیین بدون توجه به بنیان‌های فکری و اعتقادی آن در رقابت با تکیه‌ها و حسینه‌های دیگر".

ب. آسیب‌های متوجه سنت‌های تاریخی و آداب سنتی جاری در سازگان آیینی

نخل گردانی و استمرار آن‌ها.

ب-۱- "کم‌رنگ شدن دو سنت وقف و نذر که به گونه‌ای خودجوش مهیاگر زمینه‌های برگزاری آیین هستند و فقدان آن‌ها، سازگان این آیین را در تمام ابعاد متأثر می‌سازد".

ب-۲- "فراموش شدن آداب تعامل آیین‌ورزان با نخل‌ها".

ب-۳- "جایگزین شدن نوحه خوانی‌های بدون مضمون متعالی، به جای چاووش خوانی و جوش خوانی که محتوای آن برآمده از مفاهیم اعتقادی و صورت آن برآمده از سنت‌های ریشه‌دار است".

ج. آسیب‌های متوجه دانش و مهارت در روش سنتی ساخت و حفاظت نخل‌ها و آداب آن، و حیات و انتقال آن‌ها.

ج-۱- "فراموش شدن ظرایف فنی در روش اصیل ساخت نخل‌ها و آداب آن در نخل‌سازان نسل جدید".

ج-۲- "جایگزین شدن شبه نخل‌های فلزی با نخل‌های چوبی و به تبع آن فراموش شدن روش‌های اصیل ساخت نخل، آداب ساخت نخل، آداب ویژه تعامل با نخل‌های چوبی و واری‌های دوره‌ای آن، و کم شدن اقبال جامعه آیین‌ورز به حضور در آیین".

ج-۳- "سپردن واری‌ها و تعمیرات دوره‌ای نخل‌ها به افرادی که از دانش بومی، مهارت، و آداب این امر ناآگاهند".

ج-۴- "پایین نبودن به واری‌ها و تعمیرات دوره‌ای برای نخل‌های خارج شده از سازگان آیین".

مطالعه در آسیب‌ها و تهدیدهای متوجه حیات اصالت‌مند آیین نخل گردانی، نشان از ارتباط آن‌ها با گزاره‌هایی دارد که می‌توان آن‌ها را پایه و بنیان تداوم برگزاری آیین نخل گردانی دانست. ارتباط میان آسیب‌ها و تهدیدها و بنیان‌های تداوم حیات اصالت‌مند نخل گردانی، در اغلب موارد، یک ارتباط دوسویه است؛ بدین معنا که شکل‌گیری عوامل

آسیب‌رسان و تهدیدها، همواره منجر به ایجاد خلل در ارکان تداوم حیات اصیل می‌شود، و در مقابل خلل در ارکان تداوم حیات، به آسیب‌ها دامن زده و آن‌ها را تقویت می‌کنند. به‌عنوان مثال، "کم‌رنگ شدن دو سنت وقف و نذر" در جامعه آیین‌ورز، می‌تواند در گذر زمان، فراموش شدن مفاهیم بنیادین آیین نخل‌گردانی را به همراه داشته باشد. از دیگر سو، کم‌رنگ شدن مفاهیم بنیادین آیین نخل‌گردانی، جامعه آیین‌ورز را از اعتقاد و پایبندی به سنت‌هایی چون وقف و نذر دور می‌کند.

جدول ۱، با هدف دسته‌بندی آسیب‌ها و تهدیدهای متوجه آیین نخل‌گردانی و به‌منظور ایجاد درک بهتری از روابط میان آسیب‌ها و تهدیدهای متوجه نخل‌ها و سازگان آیینی نخل‌گردانی و ارکان تداوم حیات آن‌ها، تنظیم شده است.

جدول ۱- جدول تحلیلی اثرگذاری آسیب‌ها و تهدیدهای متوجه سازگان آیینی نخل‌گردانی و نخل‌ها بر ارکان تداوم حیات آن‌ها (منبع: نگارندگان).

خلل در ارکان تداوم حیات اصالت‌مند نخل‌ها ↓ ↓ ↓			آسیب‌ها و تهدیدهای متوجه سازگان آیینی نخل‌گردانی ↓	۱
ج	ب	الف		
حیات و انتقال دانش و مهارت در روش سنتی ساخت و حفاظت از نخل‌ها و آداب آن	استمرار سنت‌های تاریخی و آداب سنتی	پایداری جامعه آیین‌ورز در اعتقاد به مفاهیم بنیادین آیین	"کم‌رنگ شدن پایبندی به اعتقادات مذهبی" و "کاسته شدن از حمیت و پیگیری جامعه آیین‌ورز در برگزاری آیین"، در نتیجه "ارتباط گسترده جوامع"، "پذیرش‌های فرهنگی"، و "حرکت ناگزیر جوامع به سوی مادی‌گرایی"	
ارتباط یک‌سویه	ارتباط دوسویه	ارتباط دوسویه		
اثرگذاری مستقیم ↑	اثرگذاری غیرمستقیم بر گذر زمان →	اثرگذاری مستقیم ↑		

۲	"بی‌محتوایی آیین به معنای برگزاری آن بدون آگاهی و اعتقاد به مبانی فکری آن" و در نتیجه برجای ماندن پوسته‌ای از آیین، با ظهور نشانه‌هایی چون "تلاش در هر چه پرطمطراق تر برگزار کردن آیین بدون توجه به بنیان‌های فکری و اعتقادی آن در رقابت با تکیه‌ها و حسینه‌های دیگر"	ارتباط دوسویه ↑ اثرگذاری مستقیم ↓ اثرگذاری غیرمستقیم درگذر زمان	ارتباط دوسویه ↑ اثرگذاری غیرمستقیم درگذر زمان	-
۳	"کم‌رنگ شدن دو سنت وقف و نذر که به‌گونه‌ای خودجوش مهیاگر زمینه‌های برگزاری آیین هستند و فقدان آن‌ها، سازگان این آیین را در تمام ابعاد متأثر می‌سازد"	ارتباط دوسویه ↑ اثرگذاری غیرمستقیم درگذر زمان ↓ اثرگذاری مستقیم	ارتباط دوسویه ↑ اثرگذاری مستقیم	ارتباط یک‌سویه ↑ اثرگذاری مستقیم
۴	"فراموش شدن آداب تعامل آیین‌ورزان با نخل‌ها"	ارتباط دوسویه ↑ اثرگذاری غیرمستقیم درگذر زمان ↓ اثرگذاری غیرمستقیم درگذر زمان	ارتباط دوسویه ↑ اثرگذاری مستقیم	-
۵	"جایگزین شدن نوحه‌خوانی‌های بدون مضمون متعالی، به‌جای چاووش‌خوانی و جوش‌خوانی که محتوای آن برآمده از مفاهیم اعتقادی و صورت آن برآمده از سنت‌های ریشه‌دار است"	ارتباط دوسویه ↑ اثرگذاری غیرمستقیم درگذر زمان ↓ اثرگذاری غیرمستقیم درگذر زمان	ارتباط دوسویه ↑ اثرگذاری غیرمستقیم درگذر زمان	-
۶	"سپردن واری‌ها و تعمیرات دوره‌ای نخل‌ها به افرادی که از دانش بومی، مهارت، و آداب این امر ناآگاهند"	-	ارتباط دوسویه ↑ اثرگذاری غیرمستقیم درگذر زمان ↓ اثرگذاری مستقیم	ارتباط دوسویه ↑ اثرگذاری مستقیم
۷	"فراموش شدن ظرایف فنی در روش اصیل ساخت نخل‌ها و آداب آن در نخل‌سازان نسل جدید"	-	ارتباط دوسویه ↑ اثرگذاری غیرمستقیم درگذر زمان	ارتباط دوسویه ↑ اثرگذاری مستقیم

ارتباط دوسویه	ارتباط دوسویه	ارتباط یک‌سویه	"جایگزین شدن شبه نخل‌های فلزی با نخل‌های چوبی و به تبع آن فراموش شدن روش‌های اصیل ساخت نخل، آداب ساخت نخل، آداب ویژه تعامل با نخل‌های چوبی و واری‌های دوره‌ای آن، و کم شدن اقبال جامعه آیین‌ورز به حضور در آیین"	۸
اثرگذاری مستقیم	اثرگذاری مستقیم	اثرگذاری غیرمستقیم درگذر زمان		
ارتباط دوسویه	ارتباط دوسویه	-	"پایبند نبودن به واری‌ها و تعمیرات دوره‌ای برای نخل‌های خارج شده از سازگان آیین"	۹
ارتباط یک‌سویه	ارتباط یک‌سویه	ارتباط یک‌سویه	"توسعه توریسم"	۱۰
اثرگذاری غیرمستقیم درگذر زمان	اثرگذاری غیرمستقیم درگذر زمان	اثرگذاری غیرمستقیم درگذر زمان		
ارتباط یک‌سویه	ارتباط یک‌سویه	ارتباط یک‌سویه	"توسعه شهری"	۱۱
اثرگذاری غیرمستقیم درگذر زمان	اثرگذاری غیرمستقیم درگذر زمان	اثرگذاری غیرمستقیم درگذر زمان		

با نظر به جدول ۱، آسیب‌ها، و خلل در ارکان تداوم حیات اصیل تأثیری دوسویه بر یکدیگر دارند. این تأثیر می‌تواند مستقیم باشد، و یا غیرمستقیم و درگذر زمان رخ دهد. اثرگذاری مستقیم بدین معناست که آسیب، بی‌واسطه یک رکن را تهدید می‌کند؛ در مقابل در اثرگذاری غیرمستقیم و درگذر زمان، آسیب، ارتباط بلافصل با رکن تداوم حیات ندارد، اما با گذر زمان می‌تواند آن رکن را متأثر ساخته، و خلل در آن را رقم زند. بدین گونه، آنچه حفاظت از آیین نخل‌گردانی، نخل‌ها و ارزش‌های آن‌ها را میسر می‌سازد، مهار تهدیدها و آسیب‌هاست.

نتیجه‌گیری

مداقه در تهدیدها و آسیب‌های متوجه حیات اصالتمند نخل‌ها و سازگان آیینی نخل‌گردانی، نشانه‌روی آن‌ها به سوی بنیان‌هایی را نشان می‌دهد که تداوم حیات آیین را رقم می‌زنند. این تهدیدها و آسیب‌ها، واقعیاتی هستند که در بطن جامعه آیین‌ورز در حال به وقوع پیوستن‌اند، و بدین گونه از "آنچه بر فرهنگ بومی این جامعه می‌گذرد"، جدا نیستند. از این‌روی برای حفاظت از این آیین و نیز نخل‌ها، به گونه‌ای که ارزش‌های آن‌ها لحاظ گردد، می‌بایست جریان آسیب‌ها را قطع نمود. سازگان آیینی نخل‌گردانی به درختی مانند است که ریشه در فرهنگ بومی جامعه آیین‌ورز دارد، درختی که آسیب‌ها، چون آفت‌هایی حیات آن را تهدید می‌کنند. حذف و مهار این آفات از چرخه حیات این درخت، بقا و تداوم حیات آن را تضمین می‌نماید، و از آنجا که این درخت کماکان زنده و پابرجاست، با حذف آفات و تهدیدها، خودبه‌خود، سیر حیاتش را از سر می‌گیرد.

از آنجا که آیین نخل‌گردانی پایه در فرهنگ بومی حوزه مورد پژوهش استوار نموده است، و آسیب‌ها و تهدیدها به‌عنوان واقعیات در بطن جامعه جریان دارند، باید به فرهنگ بومی جامعه آیین‌ورز توجه نمود. فرهنگ بومی، بستر و درعین‌حال الگوی مناسبی برای حفاظت از اشیاء آیینی زنده است. موجدان فرهنگ بومی، خود مردم هستند. آنان به اصول و چگونگی‌های این فرهنگ واقفند. در بطن جامعه‌ای که آن فرهنگ بومی در آن جاری‌ست، حفاظت از میراث آیینی زنده، سوار بر سازوکار زندگی مردم - به شرط آگاه بودن آنان - پیش خواهد رفت.

تجربه نشان می‌دهد که کاربران اصلی یک اثر فرهنگی، مایل‌ترین افراد به حفاظت از آن‌ها هستند. بدین گونه برای حفظ کالبد و ارزش‌های این اشیاء آیینی زنده، باید بر جامعه آیین‌ورز متمرکز بود. با نظر به اهمیت حفاظت پایدار، و نظر به این امر که نخل‌گردانی، آیینی همچنان حی و پویاست، اتخاذ رویکرد مبتنی بر "جامعه"، که نیازمند تعامل، آگاهی‌بخشی، و توانمندسازی جامعه آیین‌ورز است، منتج به مهار آسیب‌ها و تهدیدها، حفظ زیرساخت‌های سازگان آیین و حفظ ارکان تداوم حیات اصالتمند

نخل‌ها، و بقای ارزش‌های این بخش از میراث آیینی زنده خواهد شد؛ چراکه یک جامعه بومی آگاه و توانمند، می‌تواند پاسداری خودجوش، برای میراث آیینی خود باشد. این آگاهی‌بخشی و توانمندسازی، امری است که خود نیازمند پژوهش‌های عمیق است.


سپاسگزاری:


نگارندگان مراتب سپاس خود را از جناب آقای دکتر مهدی حجت، و استادکاران نخل‌ساز، استاد سید محمد موسوی، استاد عباس مجاور، استاد علی‌اکبر نجار و استاد اکبر ابویی مهریزی برای راهنمایی‌ها و نظرات ارزشمندشان، ابراز می‌دارند.

تعارض منافع:

ندارد.

ORCID

Adele Mohtasham  <https://orcid.org/0000-0002-8369-5498>

Samad Samanian  <http://orcid.org/0000-0002-7774-5989>

منابع

- ابویی، رضا. یادگاری، زهره. و افاضت، شهاب. (۱۳۹۵)، آسیب‌شناسی میراث زبانی از طریق بازشناسی جایگاه و عملکرد آن در میراث فرهنگی. *مرمت و معماری ایران (مرمت آثار و بافت‌های تاریخی فرهنگی)*، سال ششم، شماره ۱۱: ۲۹-۴۰.
- اسحاقی، پیمان و میر رضی، سید حسین. (۱۳۸۸)، مأخذشناسی مناسک نخل برداری/گردانی در ایران. *خیمه*، شماره ۵۱.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۹۲)، *روزها*. جلد اول. تهران: انتشارات یزدان.
- افشار، ایرج. (۱۳۷۴)، *یادگارهای یزد*. جلد اول. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- آل احمد، جلال. (۱۳۴۳)، *ارزیابی شتاب‌زده*. تهران: —.
- آیتی تفتی، عبدالحسین. (۱۳۱۷)، *تاریخ یزد*. یزد: چاپخانه گلپهار یزد.
- بابایی، امید و تقی‌زاده‌ی داوری، محمود. (۱۳۹۵)، تفسیر نمادهای دینی در مناسک شیعی (مطالعه موردی: نخل گردانی در ایبانه). *شیعه‌شناسی*. شماره ۵۳.
- بلوکباشی، علی. (۱۳۸۰)، *نخل گردانی، نمایش تمثیلی از جاودانگی حیات شهیدان*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بلوکباشی، علی. (۱۳۸۹)، *تابوت گردانی: نمایش تمثیلی قدسیانه*. در علی بلوکباشی: *در فرهنگ خود زیستن و به فرهنگ‌های دیگر نگرستن*. تهران: گل آذین.
- بلوکباشی، علی. (۱۳۹۲)، *هنر عامه، مجرای علائم رمزی*. مجموعه مقالات *انسان‌شناسی هنر*. به کوشش بهار مختاریان و محمدرضا رهبری. اصفهان: حوزه هنری اصفهان.
- پویا، عبدالعظیم. (۱۳۷۹)، *جستاری درباره نخل و نخل برداری در یزد*. *مجله فرهنگ یزد*. شماره ۶ و ۷: ۵۱-۵۹.
- جمشیدی گوهرریزی، مهدیه. (۱۳۸۹)، *نخل و نخل گردانی در استان یزد*. *مجله معرفت*. شماره ۱۵۱.
- حصوری، علی. (۱۳۷۸)، *سیاوشان*. تهران: چشمه.
- حصوری، علی. (۱۳۸۴)، *آیین‌شناخت*. تهران: چشمه.
- حمیدی، سمیه و شاطری، مفید. (۱۳۹۵)، *نخل گردانی محرم در بخش: نگاهی انسان‌شناختی*. *مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان*. سال ۱۱. شماره ۱: ۸۵-۱۰۴.

- خاکی، محمدرضا و قانیدی، سیاوش. (۱۳۹۳)، ریخت‌شناسی آیین نخل‌گردانی: نمایش نمادین جاودانگی اساطیر. کتاب‌صحنه. شماره ۹: ۵-۲۴.
- دشتکی، گیتی. (۱۳۹۶)، *تقدس در نخل و نخل‌گردانی*. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- الر، جک دیوید. (۱۳۹۲)، کاربردهای مناسکی ماسک‌ها، بدن، و ابزارها و اشیاء. ترجمه جبار رحمانی. *مجله انسان و فرهنگ*، شماره ۴: ۵۶-۵۷.
- رفیع‌فر، جلال‌الدین. چاووشی، سید محمد. (۱۳۹۵)، نمادهای اسطوره‌ای در اشیاء و دستینه‌های سنگسری. *فرهنگ و ادبیات عامه*. شماره ۹: ۱۷۷-۱۹۸.
- رمضان‌خانی، صدیقه. (۱۳۹۶)، *فرهنگ عامه مردم شهر یزد*. یزد: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- زارع‌زاده، فهیمه. و رهبرنیا، زهرا. (۱۳۸۸)، تعاملات مشترک میان آفرینندگان و مخاطبان نخل. *دوفصلنامه مطالعات هنر اسلامی*. شماره ۱۱. پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
- سعیدی، محمد حسن. (۱۳۸۶)، *مردم‌شناسی مراسم آیینی: پژوهشی در مراسم نخل‌گردانی روستای دهملا*. دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان.
- سید علی‌زاده، سید احمد. (۱۳۹۴)، *نخل‌گردانی در کویر*. یزد: انتشارات سید علی‌زاده.
- شایگان، داریوش. (۱۳۸۲)، *آسیا در برابر غرب*. چاپ چهارم. تهران: امیرکبیر.
- شریعتی، علی. —، *تاریخ و شناخت ادیان*. تهران: بی‌تا.
- عسگری، مهدی. (۱۳۹۲)، *تحلیل مردم‌شناختی آیین نخل‌بندی و نخل‌گردانی*، مطالعه موردی: شهر ششتمد. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- عسگری، مهدی. محمد همایون، سپهر. (۱۳۹۲)، آیین نخل‌آرایی و نخل‌گردانی روز عاشورا در ششتمد (سبزوار). *مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان*. شماره ۲۹: ۱۶۱-۱۸۰.
- فرامکین، گرگوار. (۱۳۷۲)، *باستان‌شناسی در آسیای مرکزی*. ترجمه صادق ملک شه‌میرزادی. تهران: وزارت امور خارجه.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۹۳)، نقش مناسک و آیین‌ها در تقویت باورهای ملی و معنوی: گفتگو با ناصر فکوهی. *فاطمه طاهری. انسان‌شناسی و فرهنگ*:

<http://www.anthropology.ir/article/25506.html> (Access date: 1/3/2016).

- کاظمی، سمیه. (۱۳۹۱)، بررسی انسان‌شناختی هنرهای تزیینی در نخل‌گردانی محله هرده

ایبانه. انسان‌شناسی. شماره ۱۶: ۱۱۶-۱۴۲.

- کاظمینی، میرزاحمد. (۱۳۸۷)، *نخل، آینه‌گردان عشق*. قم: ریحانه الرسول.
- گلباف بنادکی، محمدامین. (۱۳۷۶)، *فرم و فضا در نخل ماتم یزد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه هنر.
- گلشن یزدی، جلال. (۱۳۸۴)، *یزد دیروز*. یزد: صحیفه خرد.
- لطیفی، غلامرضا و حجی‌زاده بهمدی، اسماعیل. (۱۳۹۱)، *مراسم آیینی نخل برداری روز عاشورا در فردوس*. فصلنامه دانش بومی. سال دوم. شماره ۲: ۸۷-۱۲۸.
- مزروعی، علی. (۱۳۶۳)، *آرشیوهای آفریقا و سنت‌های غیر مکتوب*. پیام یونسکو. شماره ۱۷۸: ۱۴-۱۲.
- ملک ثابت، محمدحسن. (۱۳۷۳)، *نخل و نخل‌گردانی در یزد*. پژوهش‌های مردم‌شناسی استان یزد با موضوع ماه محرم و نخل‌گردانی.
- نصر، سید حسین. (۱۳۹۲)، *هنر و معنویت اسلامی*. ترجمه رحیم قاسمیان. چاپ دوم. تهران: حکمت.
- وفایی شاهی، حمید. (۱۳۸۵)، *ویژگی‌های عناصر بصری و نمادهای نخل*. دانشگاه شاهد: پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- وفایی شاهی، حمید. (۱۳۹۵)، *تحلیلی بر عناصر بصری و نمادهای نخل*. یزد: اندیشمندان یزد.

- Abouseif, Doris Behrens and Vernoit, Stephen. (2006). *Islamic Art in the 19th Century: Tradition, Innovation, And Eclecticism*. Netherlands: Brill.
- Bunzel, Ruth. (1938). The Economic Organization of Primitive Peoples. In book: *General anthropology*. Franz Boas (ed.). Boston DC: Heath and Company.
- Causta, Josephine and Veccob, Marilena. (2017). Is UNESCO World Heritage recognition a blessing or burden? Evidence from developing Asian countries. *Journal of Cultural Heritage*. 27. 2017: 1-9.
- Chelkowski, Peter. J. (2008). *NAKL*. Encyclopædia Iranica. Online edition. <http://www.iranicaonline.org/articles/nakl-object-in-the-mourning-rituals> (Access date: 19/1/2017).
- Chelkowski, Peter. J. (1979). *Ta'ziyeh: Ritual and Drama in Iran*. New York: New York University Press.
- Chelkowski, Peter. J. (2010). *Eternal Performance: Taziye and Other Shiite Rituals*. Chicago: Seagull Books.
- *Convention for the Safeguarding of the Intangible Cultural Heritage* (2003). UNESCO: <https://ich.unesco.org/en/convention> (Access date: 1/12/2015).

- Eller, Jack David. (2007). *Introducing Anthropology of Religion*. New York: Routledge.
- Greene, Virginia. (1992). Accessories of Holiness: Defining Jewish Sacred Objects. *Journal of the American Institution for Conservation (JAIC)*. 1992. Volume 31. Number 1. Article 5: 31-39.
- Hohmann, Hasso. (2018). https://global-geography.org/af/Geography/Asia/Iran/Pictures/Iran_1973/Nakhl_in_Yazd (Access date: 5/3/2017).
- Korom, Frank. J. (2003). *Hosay Trinidad: Muharram Performances in an Indo-Caribbean Diaspora*. Pennsylvania: University of Pennsylvania Press.
- *Québec Declaration on the Preservation of the Spirit of Place* (2008). UNESCO. Adopted at Québec-Canada. <https://whc.unesco.org/uploads/activities/documents/activity-646-2.pdf> (Access date: 1/2/2016).
- Richards, Frederick Charles. (1931). *A Persian journey: being an etcher's impressions of the middle East, with forty-eight drawings*. London: London Jonathan Cape.
- Stovel, Herb. Stanley-Price, Nicholas and Killick, Robert. (eds.) (2005). *Conservation of Living Religious Heritage: Conserving the Sacred*. Rome: ICCROM.
- Turner. V. W. (1973). Symbols in African Ritual. *Science*. Vol. 179. No. 4078: 1100-1105.

استناد به این مقاله: محتشم، عادل و سامانیان، صمد. (۱۴۰۴). آسیب‌شناسی آیین نخل‌گردانی در جایگاه آیینی شیء محور از منظر حفاظت از گنجینه‌های فرهنگی زنده ایران. *دوفصلنامه دانش‌های بومی ایران*، ۱۲(۲۴)، ۲۱۱-۲۵۳.



Indigenous Knowledge Iran Semiannual Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.